



سیر آغاز

از کانو تا شیخ ابراهیم

برای ما دهه شصتی‌های نوانتو کانو نامی آشناست. کانویی که کنار آمو کاجی زوج خوبی در خط حمله نیجریه تشکیل داده بودند. آن روزها هر وقت نام نیجریه به زبان می‌آمد نوانتو آرسنال را به ذهن می‌آوردیم و می‌دانستیم که با آن قدر رعنایش روزهای خوشی را در آرسنال آن روزها و نگر می‌گذرانند. در کنار آن فرانسوی سپاه یعنی تیری هانری، آن حادثه عجیب در بازی مقابل شیفلد یونایتد را فراموش نمی‌کنیم. که در یک حرکت جوانمردانه گلی ناجوانمردانه به تیم مقابل زد. بعدها هم کلی عذر خواهی کرد. کانو یکی از پر افتخارترین بازیکنان تاریخ نیجریه است که عنوان قهرمانی در لیگ قهرمانان اروپا، قهرمانی در جام یوفا، لیگ برتر انگلیس و سه قهرمانی در جام حذفی انگلیس را در کارنامه‌اش دارد. در سال‌های ۹۶ و ۹۹ نیز به عنوان بهترین بازیکن فوتبال قاره آفریقا انتخاب شد. این همه خاطره‌بازی کردم تا این را بگویم برای ما آن زمان نیجریه یعنی کانو و آمو کاجی! بعدها هم که رفتند دیگر اسمی از نیجریه نشنیدیم. تا این اواخر که گروه‌های تروریستی در دنیایی که عصر جاهلیت مدرن می‌خوانش در گوشه گوشه دنیا سر بر آوردن. یکی در سوریه و عراق آن یکی هم در نیجریه و آفریقا با نام بوکوحرام. روزگار غربی‌ست. بدان سان که رسانه آن قدر ما را در خواب فرو برده که نمیدانیم نفس خمینی کبیر هنوز هم انسان‌ها را بیدار می‌کند. گر چه ما غافلیم. غافلیم از این باب که اسیر روزمرگی‌های خودمان هستیم. این طور می‌باشد که کاروان اربعین حسینی باز هم توجه ما را به برادرانمان جلب می‌کند. به آن سوی کره زمین. به آفریقا! به کشوری ۱۷۰ میلیونی که ۱۰ میلیون نفر آن شیعه هستند و اتفاقاً از خیلی‌ها مان حزب‌اللهی‌تر و انقلابی‌تر! آقا زاده‌هایی دارد که برای فلسطین و قدس جان می‌دهند نه آنکه خود را تافته جدا بافته بدانند. شنیدیم کربلا به وسعت زمین است و عاشورا سراسر زمان را فرا گرفته است اما این بار به عینه دیدیم که چندین هزار کیلومتر آن‌ورتر از کربلا هنوز نسل بلال حبشی زنده‌اند و خمینی هنوز سرپا زانند و جان بر کف آماده مبارزه با باطل هستند. شنیدیم که راهپیمایی شیعیان مظلوم نیجریه به طول ۱۸۰ کیلومتر و با حضور ده‌ها هزار نفری شیعیان برگزار شد و این بار هم شمهرهای زمانه (بوکوحرام) آنرا به خاک و خون کشیدند...

ادامه در صفحه ۲



گفتگوی خواندنی با مچری سیما

ارزش چادر را بالا ببریم

صفحه ۱۲



پژوهشگران برگزیده کشوری دانشگاه معرفی و تقدیر شدند

اجرای و تحقیقاتی دکتر قبادیان می‌باشد. پژوهشگر برتر دانشگاه در طی سال‌های ۸۴ تا ۹۳ و نیز عضو یک درصد دانشمندان برتر جهان براساس پایگاه ISI از جمله برخی از موفقیت‌های علمی دکتر قبادیان می‌باشد. دکتر حسن دانایی‌فرد از دیگر برترین‌های دانشگاهی این جشنواره بودند که ضمن ارائه ۱۷۶ مقاله داخلی و بین‌المللی موفق به اجرای ۲۶ طرح پژوهشی شده و تعداد استنادات وی ۱۵۸ مورد بوده است. وی در سال ۹۲ به عنوان دانشمند پرتالیف از نظر پایگاه استنادی ISC و در سال ۸۹ برنده جایزه کتاب سال شد. وی دارای مدرک کارشناسی مدیریت بازرگانی از دانشگاه اصفهان، کارشناسی ارشد در رشته مدیریت دولتی از دانشگاه شهید بهشتی و دکتری مدیریت دولتی از دانشگاه علامه طباطبایی می‌باشد. از جمله مهم‌ترین تالیفات وی می‌توان به چالش‌های مدیریت دولتی در ایران، نظریه‌پردازی مبانی و روش‌شناسی، مقدمه‌ای بر فلسفه نظریه مدیریت دولتی، فرهنگ جامع مدیریت دولتی و مروری بر مدل‌ها و مسائل پژوهش‌های عملیاتی اشاره کرد. در این مراسم همچنین مرکز پژوهش و سنجش افکار سازمان صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران و وزارت صنعت، معدن و تجارت در بخش حامیان پژوهش و فناوری به عنوان حامیان پژوهش و فناوری مورد تقدیر قرار گرفتند.



همزمان با برگزاری هفته پژوهش، شانزدهمین جشنواره تجلیل از پژوهشگران و فناوران برگزیده کشور با حضور دکتر ستاری معاون علمی و فناوری رئیس‌جمهوری، دکتر فرهادی وزیر علوم، تحقیقات و فناوری، دکتر هاشمی وزیر بهداشت و روسای دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها در محل سالن اجلاس سران آغاز به کار کرد. نام دکتر حسن دانایی‌فرد عضو هیات علمی دانشکده مدیریت و اقتصاد و دکتر برات قبادیان عضو هیئت علمی دانشکده کشاورزی دانشگاه در میان برگزیدگان جشنواره تجلیل از برگزیدگان پژوهش و فناوری به چشم می‌خورد. دکتر برات قبادیان دارای مدرک کارشناسی و کارشناسی ارشد ماشین‌آلات و دکتری موتورهای درونسوز از هندوستان می‌باشد. وی با مرتبه علمی استاد تمام در دانشکده کشاورزی مشغول به فعالیت است. ایشان طراح مرکز ملی تحقیقات انرژی‌های تجدیدپذیر ایران در دانشگاه تربیت مدرس، موسس آزمایشگاه و کارگاه ملی بیودیزل در دانشگاه تربیت مدرس، مشاور مدیر عامل و عضو هیات مدیره شرکت مگاموتور سایپا، مشاور معاون پژوهشی و فناوری وزارت علوم، عضو ستاد توسعه فناوری انرژی‌های نو کشور و عضو کمیسیون پژوهش و فناوری شورای گسترش آموزش عالی خلاصه‌ای از تجارب

تفکر علمی را زنده نگه داریم صفحه ۲
یاد یاران تازه شد صفحه ۳
لطفاً رعایت کنید! صفحه ۴
دنیای وارونه صفحه ۵
ردپا! صفحه ۶
دوست خوب اونیه که صفحه ۷
جنون عثمانی صفحه ۹
دیپلماسی فطرت محور صفحه ۱۱



تحلیلی بر دومین نامه رهبر فرزانه انقلاب به جوانان غرب

دیپلماسی فطرت محور



رضا رحمتی

دانشجوی دکترای روابط بین‌الملل

رومی و فکری با آن برقرار نکند. نامه‌ی رهبر انقلاب اما از موضع بوروکراتیک، و به نام یک مقام یا رهبر سیاسی نوشته نشده است. نامه‌ی رهبر انقلاب به جوانان غربی از موضع یک «رهبر دینی» و حتی از موضع یک انسان در «خانواده‌ی بزرگ انسانی»، آن هم درباره‌ی «درد مشترک» انسان‌ها نوشته شده است. این همان موضوعی است که «المانیور» به آن اشاره کرد و گفت: «این شاید اولین بار است که یک رهبر دینی عالی‌مقام اسلامی مستقیماً جوانان غرب را درباره‌ی دینش خطاب قرار داده است.» همین موضوع سبب شد خبرگزاری «ایتار تاس» روسیه عنوان خبر خود پیرامون نامه‌ی رهبر انقلاب را این‌گونه انتخاب کند: «رهبر معنوی ایران به جوانان غربی خطاب کرد اسلام را دشمن تلقی نکنند.»

ادامه در صفحه ۱۱

مقامات سیاسی و رهبران دنیا از نامه‌نگاری به‌عنوان شیوه‌ای برای رساندن پیام خود به مردم استفاده می‌کنند. حتی بعضاً نامه‌هایشان نیز خطاب به مردمان کشورهای دیگر است. اما این نامه‌ها معمولاً از موضع «بوروکراتیک» نوشته شده است. برای مثال، از موضع یک رئیس‌جمهور، نخست‌وزیر، وزیر امور خارجه و ... همین امر موجب بروز مخاطرات و نقص‌هایی می‌شود. برای مثال، یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های بوروکراتیزه کردن پیام‌های اجتماعی-فرهنگی، به‌وجود آمدن «مرزهای فکری» است که سبب می‌شود مخاطب، خود را آن‌سوی سرزمین فکری نویسنده بپندارد و در نتیجه ارتباط

تفکر علمی را زنده نگه داریم

مشاهاپیر



دکتر نجفی در جمع برترین های جهان



دکتر غلامحسین نجفی عضو هیأت علمی و دانشیار گروه مهندسی مکانیک بیوسیستم دانشکده کشاورزی دانشگاه تربیت مدرس، با استناد به داده‌های منتشر شده در تاسسون رپورتز (ISI) و پایگاه اطلاعاتی علم (ESI) در تاریخ ۱۲ نوامبر ۲۰۱۵ دکتر غلامحسین نجفی دانشیار دانشکده کشاورزی در زمره یک درصد دانشمندان برتر جهان قرار گرفت. دکتر غلامحسین نجفی متولد سال ۱۳۵۸ شهر کرج است. وی مدرک کارشناسی خود را در رشته مهندسی مکانیک ماشین‌های کشاورزی از دانشگاه ارومیه و مدارک کارشناسی ارشد و دکتری خود را از دانشگاه تربیت مدرس گرایش طراحی و ساخت ماشین‌های کشاورزی اخذ کرد. زمینه‌های تحقیقاتی مورد علاقه وی شامل: مکانیک ماشین‌های کشاورزی، مهندسی مکانیک و انرژی‌های تجدیدپذیر می‌باشد. وی تاکنون بیش از ۱۵۰ مقاله در مجلات معتبر بین‌المللی به چاپ رسانده و در مجامع علمی ارائه داده است.

نشریه چشمه کسب این افتخار بزرگ را به دکتر غلامحسین نجفی تبریک گفته و برای ایشان توفیقات روزافزون در امر توسعه علمی کشور را با استعانت از خداوند متعال خواستار است.

سر آغاز ادامه از صفحه ۱

بگذریم! معلوم بود که عقده کرده‌اند از نفوذ انقلاب اسلامی. از این رو بود که به حریم شیخ ابراهیم تعرض کردند. اکثر شیعیان نیجریه یا تازه مسلمان هستند و یا نو شیعه که توسط «شیخ ابراهیم» زکراکی که رهبریت این جامعه را برعهده دارد مسلمان شده‌اند. وی از مریدان ارادتمندان خمینی کبیر است که خود به عشق امام شیعه شده بود و حالا میلیونها نفر را به تنهایی شیعه کرده است. خمینیون لقبی است که به شیعیان نیجریه می‌دهند که نشان از علاقه بسیار آنها به انقلاب اسلامی و امام خمینی (ره) است. حالا نام نیجریه برای من بسیار مقدس است. نام شیخ ابراهیم هم همین طور. حالا هر وقت نام نیجریه به گوشم برسد ناخودآگاه تصویر چهره خون آلود شیخ ابراهیم به ذهنم می‌آید. خون شهیدان نیجر بار دیگر این را ثابت می‌کند که جنگ حق و باطل ادامه دارد. کمربندها را ببندید

سودابه شجاعی

همه ساله در هفته‌ی آخر آذرماه به منظور گرامی‌داشت روز پژوهش مراسم ویژه‌ای در دانشگاه برگزار می‌شود. امسال این مراسم با شعار «پژوهش و فناوری؛ عزم ملی، رویکرد جهانی» برگزار شد. در این مراسم دکتر فتح الهی معاون پژوهشی و فناوری دانشگاه با ایراد سخنانی با اشاره به حرکت علمی کشور اظهار داشت: طی سال‌های ۱۹۹۶ تا ۲۰۱۴ رتبه جهانی برون‌داد پژوهشی ایران ۲۲ می‌باشد. از سال ۲۰۱۱ به بعد کارکرد علمی و برون‌داد پژوهشی ایران به صفر رسیده و شیب تند تولید علم کشور کند شده است که بحث‌های اقتصادی در این امر تاثیر گذار بوده است. علت آن کاهش تعداد شرکت کنندگان ایرانی در کنفرانس‌های جهانی و ارائه مقاله از سوی آنها در این کنفرانس‌ها بوده است. وی با اشاره به اهمیت تولید علم در خصوص برداشت‌های غلطی که در خصوص تبدیل علم به ثروت در دانشگاه‌ها ایجاد شده است گفت: در دانشگاه نسل سوم و کارآفرین، علم یک سرمایه بی‌پایان است و کشورهایی که هم اکنون دانشگاه‌های نسل سوم در آنها دایر است، چشمه جوشان تولید علم را تعطیل نکرده‌اند و جریان کارآفرینی و تبدیل علم به ثروت به چشمه تولید علم متصل بوده

و باید معدن اصلی موجود باشد تا بتوانیم با فناوری به نتیجه برسیم. وی افزود: ما باید تفکر علمی را در کشور زنده نگه داریم و به اشاعه و تولید علم نیز بپردازیم که آن هم سازمان و برنامه لازم را می‌طلبد. وی در بخش دیگری از سخنان خود به موضوع نوآوری (innovation) اشاره کرد و گفت: نوآوری یعنی بدنه‌ی علمی کشور چگونه بر اجتماع و اقتصاد اثر می‌گذارد و زندگی مردم را بهبود می‌بخشد. وی ادامه داد: نوآوری در دانشگاه‌ها را با دو شاخص دانایی نوآورانه و تاثیرات تکنولوژیک اندازه‌گیری می‌کنند. این نکته حائز اهمیت است که بدون مقاله نمی‌توان نوآوری داشت. وی با اشاره به سخنان مقام معظم رهبری

در خصوص شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی تصریح کرد: دانشگاه‌ها برای شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی و جامعه آرمانی اسلام باید تلاش کنند و در این راستا باید یک اقدام پژوهشی انجام و نقش دانشگاه‌های برتر در این زمینه مشخص شود. وی خاطر نشان کرد: رابطه خاصی میان خروجی پژوهش (research output) و دانایی وجود دارد و رتبه جهانی دانشگاه‌های ایران به لحاظ شاخص نوآوری، بهتر از تولید مقاله است و این نشان می‌دهد فرد گوهرشناس از میان معدن علم می‌تواند طلاهای گرانبها و مورد نیاز را پیدا کند. در ادامه دکتر محمد حسین صادقی مشاور عالی صندوق نوآوری و شکوفایی

سخنرانی خود را با موضوع اقتصاد دانش بنیان و نقش دانشگاهیان ارائه کرد. وی خاطر نشان کرد: دانش بنیان شدن اقدامی ریشه‌ای و تاثیر گذار است و فعالیت‌های دانش بنیان باید از دانشگاه آغاز شود و دانشجویان دانش بنیان باید در دانشگاه‌ها تربیت شوند. در این مراسم همچنین از تازه‌های نشر کتب؛ شامل ۲۱ عنوان کتاب تالیفی و ترجمه‌ای رونمایی و از مولفان برتر دانشگاه تجلیل بعمل آمد. نکوداشت یاد و خاطره استاد فقید دکتر صادق آیین‌وند و تقدیم آخرین کتاب وی به همسرش از دیگر برنامه‌های این آیین بود. در پایان مراسم پژوهشگران دانشگاه معرفی و از آنان تجلیل شد.

وحدت حوزه و دانشگاه؛ آرمان اصلی امام

بزنیم و به مطالعه و بررسی ایدئولوژی انقلاب اسلامی بپردازیم، به این امر پی می‌بریم که می‌توان نهضت امام را در وحدت بین حوزه و دانشگاه خلاصه کرد، و همچنین اگر مروری بر آرمان‌های اصلی امام در انقلاب داشته باشیم و سخنرانی‌ها، نامه‌ها و اعلامیه‌های ایشان را خلاصه کنیم هیچ آرمانی مهم‌تر و اساسی‌تر از وحدت حوزه و دانشگاه نخواهیم یافت. حجت الاسلام میرلوحی با اشاره به اینکه عده‌ای، هم در دانشگاه و هم در حوزه کاری به جو حاکم، نداشتند و می‌خواستند مسیر خود را ادامه دهند، ابراز داشتند؛ امام (رحمه الله علیه) بود که با جدیت تمام ندای وحدت را سرداد. این استاد حوزه و دانشگاه با اشاره به فرموده امام خمینی (رحمه الله علیه) که اگر تهذیب نباشد علم توحید هم به درد نمی‌خورد، افزود: علم دین بر دو بخش است: علمی که مفید و نافع است و علمی که غیر نافع است. هر علمی لزوماً نافع نیست. چه بسا علمی داریم که مضر هم باشد. ما باید از علمی که خداوند به ما می‌دهد درست استفاده کنیم که باعث کمال بشریت و قرب الی الله باشد. وی در پایان با بیان زحمات بی‌دریغ مرحوم آیت الله مهدوی کنی در وحدت



بین حوزه و دانشگاه گفت: آوردن فضای علمایی به دانشگاه‌ها و فضای دانشگاهی به محافل حوزوی قدم بزرگی بود که گفت‌وگوها و دیدگاه‌ها را به هم نزدیک می‌کرد. اینها همه ثمرات و برکات امام و انقلاب بود. از این رو آیت الله

مهدوی کنی کاری متفاوت انجام دادند که طلبه‌ها را به دانشگاه نبردند و دانشگاهیان را هم به قم نبردند بلکه نسلی را تربیت کردند که با دو بال حوزوی و دانشگاهی، همزمان درس‌های تلیقی را مطالعه کنند.

یاد یاران تازه شد



شادی نوری

دانشجوی کارشناسی ارشد پتروولوژی
دانشگاه تربیت مدرس

ساعت ۱۳:۳۰ دم درب ورودی دوست داشتنی مراسم، دلم را که گره زده بودم پشت سد دلتنگی و فاصله‌ام از شهدا و آماده می‌شدم برای ورود به سالن.

وقتی وارد سالن شدم تازه متوجه شدم که چقدر دانشجویان و اعضای دانشگاه تربیت مدرس شهدایی‌اند که اگر کمی دیرتر رسیده بودم مطمئناً توفیق نداشتم از حال و هوای مراسم برایتان بگویم. مراسم با آیات کلام الله، نورانی و با خوش آمد گویی مجری شروع شد و حجت الاسلام دکتر فلاح رفیع مسئول نهاد مقام معظم رهبری در دانشگاه تربیت مدرس اولین میهمان دعوت شده بر روی سن بودند.

دکتر فلاح رفیع در ابتدا ضمن گرامیداشت یاد و خاطره شهیدان به ویژه شهیدان مدافع حرم افزودند: خداوند خود مدافع خون شهیدان است. شهید از دو اجر مهم برخوردار است، اجر آن جهانی شهید، روزی خوردن نزد پروردگار خود است، و اجر این جهانی اش به بار نشستن خون او و ریشه کن کردن کسانی است که خون او را به نا حق ریخته‌اند.

ایشان در ادامه سخنان خود با اشاره به ظرفیت بالای مکان‌های مقدس و حرم‌های اهل بیت (علیهم السلام) گوشزد نمودند: دشمنان با مشاهده این ظرفیت همواره در



اتفاقیه

هم‌اندیشی استادان با محوریت ارتباط صنعت و دانشگاه



جلسه سوم هم‌اندیشی استادان با محوریت آسیب شناسی ارتباط صنعت و دانشگاه با موضوع آموزش در دانشگاه کارآفرین، با سخنرانی دکتر محمدجواد رسایی، عضو هیئت علمی دانشکده علوم پزشکی و با حضور جمعی از استادان و اعضای هیئت علمی در دانشگاه تربیت مدرس برگزار گردید.

دکتر رسایی در ابتدا به این نکته اشاره نمودند که در برهه‌های از زمان، دانشگاه‌های ما، دانشگاه آموزش محور بودند که براساس آن، دانشگاه بر پایه‌ی ارائه‌ی خدمات آموزشی استوار بود و بعد از آن زمان، دانشگاه وارد فاز تولید علم گردید که در واقع می‌توان گفت، بیشتر، گفتمان پژوهشی بر دانشگاه مسلط گردیده بود. تسلط گفتمان فناوری، مستلزم عبور از مرحله‌ی پژوهش است و این مهم باید توسط نسل جوان اساتید محقق گردد و آنها هستند که باید گذار به نسل

سه‌ی دانشگاه را، رهبری نمایند. این عضو هیئت علمی دانشگاه در ادامه افزود: دانشگاه کارآفرین، به منظور رشد و بهبود مستمر خود، نیازمند طراحي فرآیندهای دقیق ارزیابی و توسعه می‌باشد. در این راستا، سه مؤلفه‌ی ارزیابی درونی، ارزیابی بیرونی، بازرگری و اصلاح مستمر، شناسایی و مورد تأیید قرار گرفته است.

عملکرد دانشگاه کارآفرین، براساس ویژگی‌ها و مؤلفه‌های فوق، منجر به پیامدهایی می‌گردد که در بلندمدت موجب مرجعیت دانشگاه، افزایش جایگاه و منزلت دانشگاه و در نهایت تبدیل شدن دانشگاه به عنوان یک الگوی عملی و عینی کارآفرینی، برای سایر سازمان‌هاست.

وی در پایان مهم‌ترین مؤلفه‌هایی که زمینه‌ی ایجاد و تقویت کارآفرینی در دانشگاه را فراهم می‌سازد را چشم‌انداز، تنظیم برنامه‌ی استراتژیک، طراحي ساختار مناسب و آماده‌سازی کلیه‌ی عوامل انسانی، سخت‌افزاری و نرم‌افزاری، معرفی نمود.

خیلی اعتقاد به جنگ فرهنگی داشتند. سردار کوثری سخنران پایانی این مراسم بود. سردار کوثری با بیان اینکه در زمان انقلاب با اراده خدا، مردم ما که الهی شده بودند و رهبری که تمام وجودش برای خدا بود، همه‌شان در یک جبهه مقابل باطل قرار گرفتند، افزود: خانواده‌های شهدا در عظمت و بزرگی شهدای اول انقلاب و شهدای مدافع حرمی که آن زمان به دنیا نیامده بودند و آنهایی که از ابتدای انقلاب

تاکنون در حال جهاندن سهیم هستند. در پایان مراسم از خانواده معظم شهدا قدردانی و تقدیر شد. شهدا مهمان نوازند این را وقتی بیشتر فهمیدم که مجری دل میهمانان را به سمت حرم امام رضا (علیه السلام) برد. بگمانم از عطر پای مادران شهدا بود که انتهای مراسم همه حالمان خوب بود. لازم به یادآوری است این مراسم به همت بسیج دانشجویی دانشگاه برگزار شده بود.

معرض آسیب‌های جدی قرار دارد و دین تا حدودی از زندگی انسانها زدوده شده است. در کشور ما تلاش می‌شود زندگی معنوی و مبتنی بر دین تقویت شود و این مهم در شرایطی که جوانان در معرض انواع تبلیغات ضد دینی و سکولار قرار دارند، کار ساده‌ای نیست. روحیه شهادت طلبی و وجود شهدا به جامعه قدرت می‌دهد که میراث دینی و معنوی خود را حفظ کند.

معاون فرهنگی و اجتماعی دانشگاه در پایان افزود: شهید باعث ایجاد سرمایه‌های اجتماعی جامعه می‌شود. اگر جامعه از این سرمایه‌های اجتماعی محروم باشد، بسیار شکننده خواهد بود و در مقابل برنامهریزی‌های دشمن متلاشی می‌شود. در ادامه مراسم فرزند سردار شهید همدانی با بیان سیره آن مجاهد خستگی‌ناپذیر افزود: پدرم بصیر و زمان‌شناس و بصیرت آفرین بودند. بعد از هر مسئولیتی نیروی قوی تربیت می‌کردند.

صدد مبارزه با آن از راه‌های گوناگون بوده اند یک نمونه از آن را در جریان فاجعه منا مشاهده کردیم، لذا می‌بایست هشیار باشیم که خدای ناکرده نمونه‌هایی همانند آن توسط استکبار و صهیونیسم جهانی در حرم‌های مقدس دیگر نیز به عمل درنیاید. دکتر امین ناصری معاون فرهنگی و اجتماعی دانشگاه سخنران بعدی این مراسم بود. دکتر امین ناصری با بیان اینکه صحبت از مقام شهید بسیار دشوار است، گفت: صحبت از شهید و عظمت مقام شهدا کار سختی است. شهدا از آنچنان جایگاهی برخوردارند که در پیشگاه خداوند صاحب رزق و روزی هستند. بی‌شک شهدا دارای روح بسیار بزرگی بودند که نتوانستند به این مرحله دست یابند.

وی در خصوص آثار و برکات شهید در جامعه انسانی اظهار داشت: شهدا در جامعه، روحیه معنویت‌گرایی و اتکال به خداوند را ایجاد می‌کنند. جامعه فعلی ما با هجوم فرهنگ بیگانه در

یابترین باش یا یکی از بهترین‌ها!

اولین نشست از سلسله نشست‌های زندگی هدفمند با حضور دکتر شاهین فرهنگ، مشاور و روانشناس خانواده در جمع دانشگاهیان به میزبانی نهاد مقام معظم رهبری در دانشگاه تربیت مدرس برگزار گردید. آنچه که در ادامه می‌آید گزارشی از سخنان دکتر فرهنگ در این نشست می‌باشد.

پس از اعلام ذهن ما را درگیر می‌کند تا احتمال رسیدن به خواسته بیشتر بشود. ما در زندگی زمان‌هایی که خواسته‌ای را دقیق و روشن بیان کردیم، سر و کله‌اش پیدا شده ولی چنانکه در قرآن می‌گوید مردم بیشترشان اهل تفکر نیستند.

اما چگونه می‌شود به اهداف رسید؟ ابتدا اهداف بلند مدت ۱۰ ساله ۱۵ ساله تعیین کنیم. سپس آنها را خرد کنیم به اهداف سالیانه و آنها را هم خرد کنیم به اهداف ماهانه. بعد از این مراحل اهداف ماهانه را می‌نویسیم تاریخ می‌نویسیم و آنها را در معرض دید خودمان قرار می‌دهیم. جایی که روزی ۲۰-۴۰ بار ببینیم. نوشتن آنقدر مهم است که یکی از قسم‌های قرآنی است. حال اگر در رسیدن به اهداف ماهانه شکست خوردیم چه می‌شود؟ اگر گمان کنیم زمانی که در رسیدن به اهداف کوچک شکست خوردیم

آرزو یعنی رویای دور و دراز. در مثالی گفته شد؛ اگر چکی بنام شما صادر شود و در قسمت مبلغ نوشته شود هر چه بیشتر و در قسمت زمان نوشته شود هر چه زودتر و شما این را به بانک ببرید و بخواهید وصول کنید با این که نام و امضا هم دارد اما وصول نمی‌شود. چرا؟! دقیقاً موضوع مانند مطالبی است که افراد از آنها به عنوان هدف یاد می‌کنند مثلاً درآمد عالی، خوب این درآمد چقدر باشد؟ می‌گویید هر چه بیشتر. اگر بپرسند این درآمد را تا کی می‌خواهی؟ می‌گویید هر چه زودتر. نوشته‌اید تحصیلات عالی اگر بپرسند کدام دانشگاه؟ می‌گویید هر چی بهتر باشد. اگر بپرسند کدام مقطع تحصیلی؟ می‌گویید هر چی بالاتر. چه گرایشی؟ هر چی بهتر. چه سالی مدرک بگیرم؟ هر چه زودتر

به همین دلیل است که ۹۷ درصد مردم جهان آرزوهایشان را با اهدافشان اشتباه می‌گیرند؛ هدف خواسته‌ایست دقیق و روشن که به محض اعلام و بارها



انسبیه فتحی

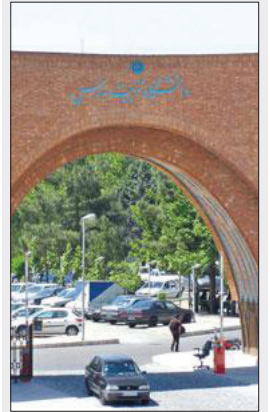
دانشجوی کارشناسی ارشد
مطالعات زنان دانشگاه تربیت مدرس

تحقیقاتی توسط دانشگاه استنفورد انجام گرفته است که طی آن ۹۷ درصد مردم کره زمین در زندگی‌هایشان هدف ندارند و تنها ۳ درصد از انسان‌های کره زمین با هدف زندگی می‌کنند؛ اما با این حال خیلی از مردم دنیا معترض‌اند که چرا ما به جایی نمی‌رسیم.

امام علی (ع) هم در مورد هدف داشتن در زندگی می‌فرمایند: «کسی که نمی‌داند از زندگی خود چه می‌خواهد به جایی هم نمی‌رسد»

همچنین یافته‌های دانشگاه استنفورد بیان می‌کند که مردم معمولاً باید سه چیز را در زندگی دنبال کنند اما آن سه چیز با هم اشتباه می‌گیرند (مقصد، آرزو، هدف) مقصد؛ خواسته ما در یک کلمه از همه زندگی‌مون. مثل: موفقیت، سعادت، کمال... اینها یک دورنماست. مثلاً شاید الان موفق هستید اما موفقیت بیشتری مدنظر تان است. مقصد به خودی خود دست‌یافتنی نیست، یعنی باید یک عملیاتی بر روی آن انجام گیرد.

وقتی ما زمینه‌های مقصد را تعیین می‌کنیم، مقصد تبدیل به آرزو می‌شود.



به مناسبت ۱۶ آذر و روز دانشجو برنامه‌های متعددی در دانشگاه برگزار شد و طی این روز شکل‌های دانشجویی در خصوص موضوعات روز و مباحث مورد بحث دانشجویان برنامه‌های مختلفی را تدارک دیدند. معاونت فرهنگی و اجتماعی دانشگاه به مناسبت روز دانشجو در ورودی ۱۶ دانشکده دانشگاه با اهداء گل به دانشجویان، این روز را گرمی داشت. بسیج دانشجویی دانشگاه هم با هدف پرسش و پاسخ در خصوص مسائل سیاسی روز و پرونده هسته‌ای ایران، تریبون آزادی با حضور دکتر زاکانی رئیس کمیسیون ویژه برجام در سالن اجتماعات استاد مطهری برگزار نمود. علاوه بر این بسیج دانشجویی همچنین نمایشگاهی با عنوان "ضرر" را طی روزهای ۱۴، ۱۵ و ۱۶ آذرماه در محوطه ضلع جنوبی سازمان مرکزی دانشگاه برگزار کرد که در آن به نمایش کتاب‌های مرتبط با استکبارستیزی و تصویری از جنایات امریکا و نقد مذاکره با امریکا پرداخته شده بود.

انجمن اسلامی دانشجویان پیشرو دانشگاه نیز برنامه تریبون آزاد خود را در روز ۱۵ آذر مقابل مسجد دانشگاه با موضوع حقوق دانشجویی برگزار نمود. جلسه سخنرانی با حضور ابراهیم اصغرزاده نماینده سابق مجلس شورای اسلامی از دیگر برنامه‌هایی بود که توسط این تشکل برگزار شد. گفتنی است دانشگاهیان در کنار این برنامه‌ها بر مزار شهدای گمنام نیز حضور یافته و یاد و خاطر آنها را گرمی داشتند.



پایه دانشجو

حسن شهبازی
دانشجوی دکتری آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دانشگاه تربیت مدرس

متأسفانه طی چند هفته‌ی گذشته بیش از ۴۵ نفر از هموطنان عزیزمان بخصوص در استان‌های کرمان و سیستان و بلوچستان در اثر ابتلاء به آنفلوآنزا نوع A (H1N1) جان خود را از دست داده‌اند، البته این افراد فقط به دلیل داشتن بیماری آنفلوآنزا فوت نکرده‌اند، بلکه بیماری زمینه‌ای دیگر مثل بیماری‌های مزمن قلبی، کلیوی و ریوی و همچنین کهولت سن باعث تضعیف در سیستم ایمنی بدن آنها شده و بدن توانایی مقابله موثر با این ویروس را نداشته است.

برای پیشگیری از ابتلاء خود و دیگران به این بیماری باید چند اقدام را انجام داد:

در هنگام عطسه یا سرفه، بینی و دهان خود را با دستمال کاغذی بپوشانیم و دستمال مصرف شده را فوراً بطور مناسب دفع کنیم (مثلاً گذاشتن در نایلون و بستن آن و سپس انداختن در سطل زباله).

دست‌ها را بطور مکرر و منظم بخصوص بعد از سرفه، عطسه یا قبل از خوردن غذا به مدت ۲۰-۴۰ ثانیه بشوییم.

در صورت مشاهده‌ی یک یا چند علائم شبه آنفلوآنزا، فوراً به پزشک مراجعه کنیم. علائم بیماری شامل: تب، لرز، سرفه، سوزش گلو، سردرد،

ناراحتی قفسه سینه، احساس کوفتگی، آبریزش از بینی، اسهال و استفراغ می‌باشد.

فاصله‌ی حداقل یک متری با افراد مشکوک ابتلاء به آنفلوآنزا را رعایت کنیم.

هنگام احوالپرسی خصوصاً با افراد مشکوک ابتلاء به این بیماری از در آغوش گرفتن، بوسیدن و دست دادن خودداری کنیم.

از مالیدن و تماس دست آلوده با چشم‌ها، بینی و دهان خودداری کنیم. بیماری آنفلوآنزا نوع A (H1N1) در

لطفاً رعایت کنید!



خودسرانه آسپرین و آنتی بیوتیک جداً خودداری نمایند.

خوشبختانه با آموزش و اطلاع‌رسانی گسترده‌ی وزارت بهداشت و حمایت رسانه‌ها و صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران موارد ابتلاء به بیماری آنفلوآنزا در حال کاهش می‌باشد، موارد مراجعه و بستری در بیمارستان‌ها کمتر شده و مرگ ناشی از بیماری نیز به حداقل رسیده است. برای جلوگیری از موج جدید این بیماری در کشور نیاز به همکاری و حمایت مردم و رعایت موارد توصیه شده می‌باشد.

گروه‌های خاصی از مردم بخصوص در بیماران مبتلاء به بیماری‌های ریوی، دیابت، قلبی-عروقی، عصبی-عضلانی نقص سیستم ایمنی و ایدز و همچنین در مادران باردار و کودکان زیر ۵ سال می‌تواند مشکل‌ساز باشد که به این افراد استفاده از واکسن مخصوص آنفلوآنزای نوع A (H1N1) توصیه می‌شود. همچنین نوشیدن مایعات، استراحت کردن، خوردن غذای سالم و رعایت روش‌های پیشگیری از انتقال بیماری از مواردی است که مبتلایان به این بیماری باید رعایت کنند. از مصرف

جهانی فکر کنید، محلی عمل کنید!

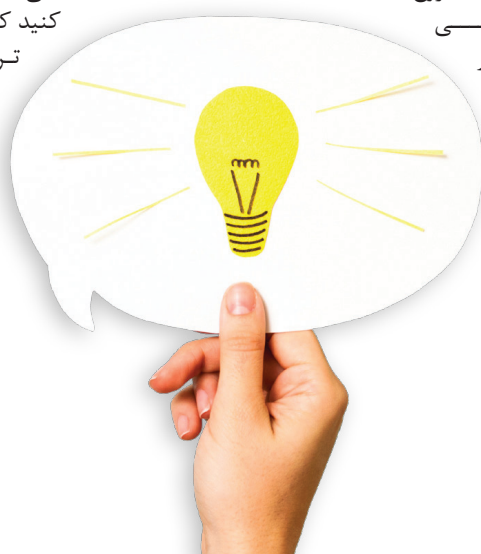
مرحله‌ای هستید که می‌خواهید بازار هدف خود را انتخاب کنید. بهترین فرصت در زندگی دانشجویی برای این کار فراهم است. شما باید در ابتدا این تفکر را در ذهن خود داشته باشید که این محصول تولیدی را برای ارائه در کل جهان برنامه‌ریزی کنید. اما با توجه به محدودیت‌های شما برای شروع فعالیت مانند محدودیت‌های سرمایه‌ای، منابع انسانی و...

در شروع برای یک منطقه خاص که بهترین همخوانی بین خواسته و محصول وجود دارد را انتخاب کنید. می‌توانید با گفتگو با دانشجویان از قومیت‌های مختلف، بهترین مکان را برای ارائه محصول خود انتخاب کنید. مثلاً در بین اقوام ایرانی، مردم شمال ایران بیشتر مواد غذایی ترش را می‌پسندند، بنابراین بهتر است از این منطقه شروع کنید. ولی جزئیات خواسته آنها را می‌توانید با مصاحبه با چند دانشجوی اهل شمال کشف کرده و بهترین محل را برای ارائه این محصول انتخاب کنید. اما همیشه در ذهن خود برای ارائه این محصول در کل جهان ایده داشته باشید. یعنی فقط برای ارائه این محصول در یک منطقه خاص بسنده نکنید.

فرهنگ، آداب و سنن دانشجویان دیگر اطلاعات کسب کنیم و به ویژه در خصوص ویژگی‌های محصول خود و شرایط همخوانی با خواسته‌های آنها آگاهی داشته باشیم برای توسعه‌ی فعالیت اقتصادی و کارآفرینی مفید خواهد بود. فرض کنید شما می‌خواهید یک ماده غذایی جدید را تولید کنید که مزه‌ی آن ترش است. حالا در

باشد، بنابراین باید در شروع کارآفرینی دقت داشته باشید که دوراندیش باشید یعنی طوری فکر کنید که گویی می‌خواهید در کل جهان فعالیت اقتصادی داشته باشید؛ ولی در عمل با توجه به بهترین بازار که خواسته‌های آن با فعالیت شما بیشتر هماهنگ است، شروع کنید.

در زندگی دانشجویی هر چه بتوانیم از



امیر صادقی

دبیرانجمن علمی مدیریت دانشگاه تربیت مدرس

آیا تنوع فرهنگی و مکانی دانشجویان برای کارآفرینی، فرصت محسوب می‌شود یا تهدید؟ با توجه به تنوع فرهنگی و قومیتی دانشجویان و اینکه در کارآفرینی مهم‌ترین اصل وجود مشتری کافی برای محصول تولیدی است، بنابراین باید بتوانیم از این تنوع استفاده کافی را ببریم.

جهانی فکر کنید، محلی عمل کنید. در تجارت باید همواره تفکرات بزرگ داشته باشید و همیشه به دنبال گسترش فعالیت اقتصادی خود باشید. از طرف دیگر یادتان باشد برای فعالیت باید در هر محدوده و منطقه با توجه به خواسته‌ها، آداب و سنن و فرهنگ همانجا اقدام کنید. این بدان معنا است که در خرده فرهنگ‌ها و مناطق مختلف برای محصول تولیدی شما احتمالاً خواسته‌های متنوعی باید وجود داشته

دنیای وارونه



احمد فرهنگ

کارشناسی ارشد ادبیات
دانشگاه تربیت مدرس

فضولباشی در پارک قدم می‌زد و روزنامه می‌خواند که ناگهان چشمش با آگهی درستی گره خورد. عکاسی جهان تصویر اعلان کرده بود که هر نوع عکسی را به اندازه‌ی طبیعی آن بزرگ می‌کند.

بی‌معطلی روانه‌ی عکاسخانه بزرگ شهر شد. از پله‌ها بالا رفت و گفت: آقا شما آگهی داده‌اید که می‌توانید عکس‌ها را به اندازه‌ی طبیعی آن بزرگ کنید؟! مدیر عکاسخانه سری به نشانه‌ی تأیید تکان داد و گفت: البته، البته!

فضولباشی دست در جیب بغل برد و عکسی را بیرون آورد و نشان داد و گفت: خیلی خوب، بفرمایید، این عکس کوه دماوند است که هفته‌ی پیش خودم انداختم. لطفاً آن را برای من به اندازه‌ی طبیعی بزرگ کنید!

مدیر جهان تصویر، از تب و تاب نیفتاد و گفت: به روی چشم آقا! من عکس آن را تقدیم شما می‌کنم، ولی انتظار نداشته باشید که عین خواسته‌ی شما را برآورده کنم. متوجه شدید آقا؟! فضولباشی خیلی خوب متوجه شد که عکس آن چیزی که خواسته است، به دستش می‌رسد. سری تکان داد و بیرون آمد.

یک روز که با دوست شاعرش در پارک نشسته بود، از او پرسید: ویژگی شعر خوب چیست؟ دوستش پاسخ داد: اکذب آن احسن آن؛ یعنی هر چه دروغش بیشتر باشد، زیباتر است و بعد در تأیید گفته‌ی خود این اشعار را خواند:

سرو خواندم قامت دلدار، این هم یک دروغ / ماه گفتم وصف آن رخسار، این هم یک دروغ / نسبت زلفش به عقرب دادم این هم یک خطا / گیسوانش را بخواندم مار، این هم یک دروغ.

در پایان هم این بیت را اضافه کرد و گفت: مهربان! «کذب» چون در شاعری مستحسن است / می‌شوم مستغنی از این کار، این هم یک دروغ. یک روز که تاریخ واقعه‌ی کربلا را



حقوق به شر رعایت نمی‌شود و این کشور مستحق اشد مجازات است! به همین سبب عربستان که در داعش پروری و نسل‌کشی در یمن، ید طولایی دارد، به عنوان رئیس شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد برگزیده شد تا اثبات شود که این دنیا نه تنها وارونه بلکه مسخره نیز هست.

در همین ارتباط، کمک‌های انسان دوستانه‌ی آمریکا و انگلیس و فرانسه در سوریه نیز به جای آنکه برای مردم و ارتش سوریه فرود آید و مواضع داعش کوبیده شود، برعکس عمل می‌کند و روز به روز مردم مصیبت زده‌تر می‌شوند.

فضولباشی همین‌طور که روی نیمکت پارک لمیده بود، بلند بلند با خودش حرف می‌زد و می‌گفت: دانشجویان زحمت کش و خلاق چنانچه برای به دست آوردن مال و مقام این دنیا تلاش کنند ول معطلند، زیرا بچه زنگ‌ها به راحتی، پول علیه‌السلام را می‌دهند و پایان‌نامه می‌خرند و می‌زنند آن ور آب و یک احمد شهید گنده می‌شوند و به آلف و الوف می‌رسند. اصلاً ارزشش را دارد که در این دنیای وارونه آدم نور چشم و عمر ارزشمند را بگذارد تا بشود نوکر دیوهای وارونه کار؟! خوب هر کس این رویه را نمی‌پسندد، شیشه‌ی عمر دیوها را بر سنگ بکوبد! و ناگهان با مشت محکمی که بر روی دسته‌ی نیمکت کوبید، از غار تنهایی خود بیرون آمد.

و یمن و دیگر کشورهای مسلمان به راه افتاده است؟! البته وقتی به یاد فرماندهی ناو وینسنت افتاد که او هم توانسته بود هواپیمای مسافربری ایران را در خلیج فارس هدف موشک قرار دهد و با قتل عام صدها بی‌گناه، مدال شجاعت دریافت کند؛ دلش راضی شد و جایزه‌ی صلح نوبل را پذیرفت.

مطلب دیگری هم به ذهن فضولباشی رسید و آن خبری بود که روزنامه‌ها منتشر کردند: در مارس ۱۹۶۶ روزنامه «یوی بک استار» اطلاع داد که فردا در باغچه آبیلسه نمایشگاه باشکوهی از «الاغ» برپا می‌شود؛ علاقه‌مندان می‌توانند از ساعت چهار بعد از ظهر در این جشن شرکت نمایند.

در ساعت ۴ بعد از ظهر جمعیت کثیری از کنجکاوان به محل نمایشگاه رفتند؛ ولی هیچ خبری نبود، تا دو ساعت هم منتظر شدند و خبری نشد. روز بعد، همان روزنامه نوشت که نمایشگاه الاغ دیروز به خوبی برگزار شد!

یکی از کسانی که آن روز در این نمایشگاه شرکت کرده بود، احمدی شهیق گزارشگر ویژه حقوق بشر در امور ایران بود که در سال ۱۳۸۰ وارد این حرفه شد تا نبوغ خود را در معرض دید جهانیان قرار دهد. وی در گزارش امسال خود اعلام داشت که چون در ایران موی سر زندانیان را می‌تراشند و لواط و زنا نیز آزاد نیست، بنابراین

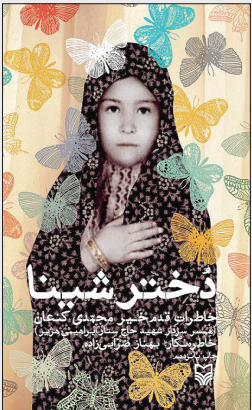
مطالعه می‌کرد، به این جا رسید که عمر سعد نیز حافظ کل قرآن بود ولی به طمع گندم ری، جلوی امام حسین (ع) ایستاد تا او را به شهادت رساند! از این عبارت اصلاً تعجب نکرد، زیرا همان لحظه اینترنت وصل بود و داعشی‌ها را دید که بعد از نیم ساعت تلاوت قرآن، با اره برقی سر یک مسلمان را گوش تا گوش بریدند و دل و جگرش را به نیش کشیدند. دوست شاعرش به او گفته بود هر چیزی که خیال‌انگیز شود، زیباتر جلوه می‌کند. با خود گفت:

از خصلت‌های دنیای وارونه، دروغ‌های بزرگ و جنایات رمانتیک است! وقتی اینترنت، قدرت آن را دارد که ساعت‌ها مخاطب خود را سر کار بگذارد، پس حکما می‌تواند جای خیر و شر را نیز تغییر دهد. یک دفعه یاد «لوندستاد» تاریخ‌نویس نروژی و رییس سابق بنیاد صلح نوبل افتاد که در کتاب خاطرات خود با عنوان «رییس صلح» نوشته بود: حتی خود «باراک اوباما» هنگام دریافت جایزه‌ی صلح نوبل در سال ۲۰۰۹ میلادی بسیار تعجب کرد و نزدیک بود که از تعجب شاخ در بیاورد.

پس وقتی خود باراک اوباما رئیس جمهور آمریکا تعجب کند که بی‌سبب جایزه‌ی صلح می‌گیرد؛ یعنی اینکه آش خیلی شور شده است. خوب بنده خدا خجالت کشیده است که با چه زبانی پاسخگوی جوی خونی باشد که در افغانستان و عراق و پاکستان و سوریه

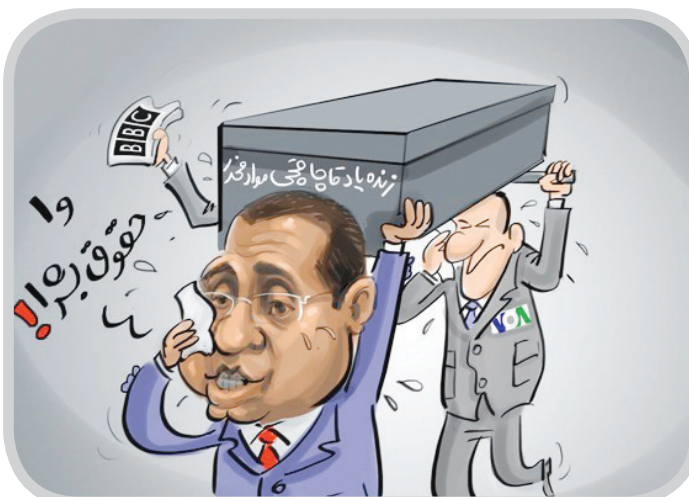
پنج خوانیم

دختر شینا



بهناز ضرابی‌زاده در «دختر شینا» قدم به قدم وارد زندگی قدم خیر محمدی کنعان شده است تا زندگی او با سردار شهید ستار ابراهیمی هژیر را روایت کند و همدم شب‌های تنهایی این زن و فرزنداناش شود؛ شب‌هایی که قدم خیر و فرزنداناش وضعیت قرمز را تجربه می‌کردند و پدر در مناطق جنگی مشغول دفاع در برابر دشمن بود. این کتاب حکایتی از یک زندگی در پشت صحنه جنگ است؛ خاطرات زنی که در طول هشت سال ازدواجش با یکی از سرداران دفاع مقدس، با دشواری‌های دوری همسر و بزرگ کردن فرزنداناش، کنار آمد و به تنهایی زندگی را اداره کرد، چهار دختر و یک پسر به دنیا آورد و همسرش فقط موقع به دنیا آمدن یکی‌شان در کنارش بود دختر شینا از معدود کتاب‌های خاطرات است که زندگی پرفراز و نشیب یک دختر جوان روستایی را در برابر چشمان ما به نمایش می‌گذارد، دختری که آن قدر می‌ایستد و می‌افتد و دوباره برمی‌خیزد تا جنگ را تحقیر کند. دختر شینا از ۱۹ فصل تشکیل شده و از روایت کودکی قدم خیر آغاز می‌شود؛ از زمانی که نامش را به خاطر قدم خوشی که داشت «قدم خیر» گذاشتند تا زمانی که حماسه زندگی‌اش را در پشت جبهه‌ها رقم زد. ضرابی‌زاده هم توانسته با تیزبینی و هوشمندی یک نویسنده، همه صحنه‌ها و فضاهای کتاب را اثرگذار و ملموس روایت کند. مهناز ضرابی‌زاده کارشناس ادبی کانون پرورش فکری همدان است. اما بیش و پیش از هر چیزی نویسنده است. ضرابی‌زاده برگزیده بیش از ۳۰ جشنواره داستان‌نویسی سراسری است.

زحمت کش و خلاق چنانچه برای به دست آوردن مال و مقام این دنیا تلاش کنند ول معطلند، زیرا بچه زنگ‌ها به راحتی، پول علیه‌السلام را می‌دهند و پایان‌نامه می‌خرند و می‌زنند آن ور آب و یک احمد شهید گنده می‌شوند و به آلف و الوف می‌رسند. اصلاً ارزشش را دارد که در این دنیای وارونه آدم نور چشم و عمر ارزشمند را بگذارد تا بشود نوکر دیوهای وارونه کار؟! ”



وقتی خود باراک اوباما رئیس جمهور آمریکا تعجب کند که بی‌سبب جایزه‌ی صلح می‌گیرد؛ یعنی اینکه آش خیلی شور شده است. خوب بنده خدا خجالت کشیده است که با چه زبانی پاسخگوی جوی خونی باشد که در افغانستان و عراق و پاکستان و سوریه و یمن و دیگر کشورهای مسلمان به راه افتاده است؟! ”

ماهیت شرق‌شناسی غربی‌ها

ردپا!

بدون آگاهی از اینکه تاریخ غرب دامن آلوده‌ی فجایعی است که با تمام مستندات باور آن سخت می‌نماید. شمار کشته‌شدگان و آوارگان دو جنگ جهانی به حدی بالا است که شاید بتوان ادعا کرد با تمام جنگ‌های تاریخ شرق برابری می‌نماید. رفتارهای غرب در جنگ‌های صلیبی بماند. حال چگونه شده که برخی مسلمانان برچسب‌های بر ساخته را باور کرده‌اند و حاصل آن شده است القاعده و داعش و دیگرانی از این دست! اگر قرار باشد برای برون رفت از این مشکل یک راهکار وجود داشته باشد، آن تحول در خودشناسی است. باید یکبار دیگر در شناخت و آگاهی از خود تدبر نمود و براساس منابع خودی و قابل اعتماد به مطالعه خود پرداخت، و به قولی باید آینه را تغییر داد.

محیط و خانواده جدید زبانی دیگر را فرا می‌گیرد و با شاکله‌ی فرهنگی آنجا رشد می‌کند و به او می‌گویند که مسیحی است. سال‌ها بعد او بدون تردید تفاوتی با دیگر افراد آن جامعه غربی ندارد.

حال سوال اینجاست که چه چیز باعث این اتفاق می‌شود! تمام بحث در این است که فرد چگونه و براساس چه منابعی خود را بشناسد. زمانی که ما تاریخ و فرهنگ خود را از زبان و قلم دیگرانی که بدون تردید دوست نیستند، بخوانیم انتظاری جز این نخواهد بود. آنچه باعث شد آپاراتاید به وجود بیاید نه برتری ذاتی رنگی بر رنگ دیگر، که ایجاد چنین تصویری در ذهن دو گروه است. البته گروهی این تصور را پدید می‌آورند و گروهی دیگر باور می‌کنند. مورد دیگر تصویری است که متأسفانه امروز در ایران هم رو به گسترش است. تعریف و تمجید از غرب به عنوان مهد تمدن و گلابه و انتقاد بدون راهکار از هویت ایرانی. امروز غرب تصویری از شرق و خصوصاً جامعه‌ی اسلامی ساخته که اگر چه کاملاً غلط اما متأسفانه در برخی موارد پذیرفته شده است.

برچسب‌هایی چون جنگ‌طلبی، تروریسم، افراط‌گرایی اکنون بر تن بسیاری از شرقی‌ها چسبیده است. توجه به این امر است که اهمیت تاکید بر تحول در علوم انسانی قابل درک می‌شود. شاید بهترین راه برای درک واقعیت رفتار غرب با سرزمین‌های شرقی بیان آن در قالب یک مثال باشد. اگر چه مثال خالی از نقص نیست اما به ذات مثال بودن می‌توان مناقشه را نادیده گرفت. طفل مسلمانی را در نظر بگیرید که در یک کشور اسلامی و از پدر مادری مسلمان متولد می‌شود. در گوش او اذان و اقامه می‌خوانند. با آداب اسلامی چون وضو شیر داده می‌شود. پس از مدتی و در حالی که هنوز قادر به سخن گفتن نیست، به دلیلی از سرزمین و پدر مادر خود جدا شده و در سرزمینی غربی تحت تکفل خانواده‌ای مسیحی قرار می‌گیرد. در



پیچیده‌ای خواهد داشت. ایران‌شناسی رشته‌ای است با سابقه‌ی بسیار در خارج از کشور و رشته‌ای نوپا در داخل. آنچه ایران‌شناسی به معنای بیرونی است گذشته از تمام حاشیه‌هایش، رشته‌ای است علمی و دانشگاهی که هنوز هم رونق و پویایی خود را دارد. سالها قبل زمانی که ادوارد سعید، کتاب "شرق‌شناسی" خود را منتشر ساخت، رشته‌ی شرق‌شناسی و به تبع آن ایران‌شناسی دچار بحرانی جدی شد. ادوارد سعید، دانشمند مسیحی فلسطینی تبار ساکن آمریکا بود. او را منتقد ادبی و از وامداران اندیشه‌ی میشل فوکو می‌دانند. کسی که توانست شهرتی جهانی به دست آورد. سعید در کتاب شرق‌شناسی نشان داد که چگونه غربیان در هیبت محقق و جهانگرد و سفرنامه نویسی تصویری از شرق ارائه دادند که واقعیت نداشت. از نظر سعید، غرب از یک سو یک تصویر غیرواقعی و ضعیف از شرق ارائه نمود و از سوی دیگر با "غیر" یا "دیگری" قرار دادن شرق از برای خود هویتی برتر ساخت. یعنی در قیاس با شرق و شرقی‌های عقب افتاده و مهجور، غرب و غربی‌هایی با تمدن و پیشرفت قرار گرفتند. ایران به عنوان یک کشور شرقی از این قاعده مستثنی نبوده و نیست. با گذری در منابع دست اول علوم انسانی در ایران پی می‌بریم که بخش بزرگی از این آثار را محققان و مورخان غربی نوشته‌اند.



محمدرافی

دانشجوی دکتری تاریخ

قرن بیست و یکم، عصر مبادلات و مبارزات مادی و معنوی است. تاریخ و فرهنگ بخش مهمی از ساختار معنوی جوامع را شکل می‌دهند. هر فرهنگ در درجه‌ی نخست برای حفظ خود و در سطح بعدی برای غلبه بر دیگر فرهنگ‌ها تلاش می‌کند. این امری است عام و تنها محدود به حوزه تاریخ یا فرهنگ نیست. نظام‌های اقتصادی، مکاتب سیاسی، مذاهب هم‌همین شرایط را دارند. حال ایران‌شناسی به عنوان رشته‌ای که شامل؛ دین، فرهنگ، تمدن، تاریخ، اقتصاد، سیاست و به بیانی کلی شامل چهارچوب ساختاری و اندیشه‌ی ایران می‌شود، شرایط سخت و

ادوارد سعید در کتاب

شرق‌شناسی نشان داد که چگونه غربیان در هیبت محقق و جهانگرد و سفرنامه نویسی تصویری از شرق ارائه دادند که واقعیت نداشت. از نظر سعید، غرب از یک سو یک تصویر غیرواقعی و ضعیف از شرق ارائه نمود و از سوی دیگر با "غیر" یا "دیگری" قرار دادن شرق از برای خود هویتی برتر ساخت. یعنی در قیاس با شرق و شرقی‌های عقب افتاده و مهجور، غرب و غربی‌هایی با تمدن و پیشرفت قرار گرفتند.

راز مجسمه‌های سنگی جزیره ایستر

ناف جهان

تندیس‌ها تنها به عنوان سرهای بزرگ شناخته شده و معروف بودند. برخی بر این باورند که ایجاد یک سونامی باعث به پایان رسیدن تمدن این جزیره شده است. گردشگران این جزیره هرگز فکر نمی‌کردند که زیر پایشان، گنج پنهان وجود دارد. به نظر نمی‌رسد، این تندیس‌ها به خاک سپرده شده باشند. بلکه فرسایش و عوامل جغرافیایی باعث دفن آنها و ناپدید شدن ساکنین آنجا شده است. این خبر می‌تواند، باور، واقعیت افسانه‌ها را در ذهن و وجود آدمی زنده کند.

اما در پایان سوالات بی‌پاسخی مطرح می‌شود که چرا حدود ۴۰۰۰ هزار سال پیش، ساکنین جزیره ناپدید شده‌اند؟ و اینکه چه بر سر ساکنین جزیره‌ای که تندیس‌های عظیم سنگی برای خود ساخته‌اند، آمده است؟ اصلاً چرا کسی تا حالا به این فکر نیفتاده که این سرهای بزرگ دارای بدن بوده‌اند؟ این حفاری باستان‌شناسی چرا خیلی سال قبل انجام نشده است؟ آیا اینها ساخته دست بشر هستند؟

که ترجیح می‌دهند، ناشناس باقی بمانند، شروع به تحقیق و حفاری در این جزیره می‌کنند تا برای پرسش‌های بی‌پاسخ، پاسخی بیابند. تحقیق و حفاری آنها منجر به کشف، بدن‌های این سرهای عظیم، تعداد بی‌شماری کتیبه و نوشته‌های باستانی، اسکلت اجساد کهن و... می‌شود. این کشف بزرگ، سه سال پیش با عنوان "مجسمه‌های جزیره ایستر دارای بدن هستند"، بر روی اینترنت قرار گرفت و همه را متعجب ساخت. چرا که این

ایستر" در منزوی‌ترین جزیره جهان قرار دارند. قبایل ساکن با نام راپونو با تحمل رنج‌های بی‌شمار چون؛ قحطی، گرسنگی، شیوع بیماری‌های مسری، جنگ داخلی، یورش برای برده، استعمار، کاهش جمعیت و... هم اکنون به شهرت جهانی رسیده‌اند. آنها نام سرزمین خود، این مکان جذاب و مرموز را "ناف جهان" گذارده‌اند.

دانشمندان بر این باورند که رازهای بی‌شماری در دل این جزیره خفته است. حال، بعد از گذشت سال‌ها، یک زن و شوهر باستان‌شناس به نام رولتیگ و یک گروه دیگر

پوست در آن زندگی می‌کردند. در حال حاضر، جزیره ایستر یکی از جوان‌ترین سرزمین‌های مسکونی روی زمین است و بیشتر تاریخ‌اش مربوط به ساکنان سرزمین‌های جدا شده در خشکی است. این جزیره تقریباً نیمه‌ی راه میان شیلی و تاهیتی قرار دارد. عمدتاً از سنگ‌های آتشفشانی ساخته شده است.

ساختارهای مرجانی کوچک در امتداد خط ساحلی وجود دارد که همین صخره‌های مرجانی با برش‌های زیبایی جزیره را از دریا جدا ساخته‌اند. بخشی از خط ساحلی این جزیره از گدازه و غارهای آتشفشانی تشکیل شده است. ساکنان "جزیره



محسن سعادت

دانشجوی دکتری باستان‌شناسی

دانشگاه تربیت مدرس

در "جزیره ایستر" بیش از ۸۰۰ تندیس "سر انسان" وجود دارد. کسی فکر نمی‌کرد که این سرهای بزرگ دارای بدن بوده و یا ادامه‌ی آنها در زیر خاک قرار داشته باشند. ولی در حال حاضر، گویا راز این سرهای عظیم از زیر خاک بیرون کشیده شده است. رازهایی که رسانه‌های جهانی را تحت شعاع خود قرار داده است. نکته اینک، این جزیره یکی از مهم‌ترین راه‌های آبی بسیار دور در جهان است. جزیره ایستر واقع در جنوب اقیانوس آرام با وسعت ۶۴ مایل، مربع شکل است. شواهد باستان‌شناسی نشان می‌دهد، این جزیره توسط یک دریانورد هلندی به نام جاکوب روگفون (Jakob Roggeveen) در سال

۱۷۲۲ کشف شد و در آن زمان نژادهای مختلفی چون سرخ پوست با موهای سرخ و تیره



دوست خوب اونیه که...

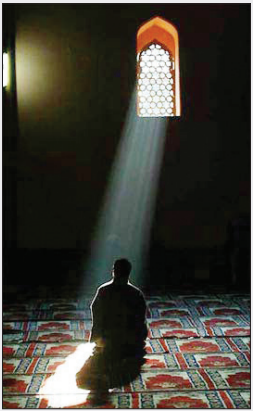


بی تعارف شاید بشه گفت تنها دغدغهی مشترک همه ما از دوران کودکی تا به امروز، انتخاب دوست مناسب بوده؛ چه زمانی که برای اولین بار در محیط کوچک مدرسه قدم گذاشتیم و چه این سالها که به فضای اجتماعی بزرگتری چون دانشگاه وارد شدیم. معیارهای انتخاب ما از گذشته تا به امروز تفاوت‌هایی کرده است؛ زمانی فقط دنبال هم‌سن و سال بودیم برای هم‌بازی شدن و الان...

اما نمی‌توان منکر این قضیه شد که دوستی‌های کودکیمان با وجود پایین بودن سطح ارزش‌های معیاری، بهترین و وفادارترین دوستی‌ها بوده است. علت آن هم پایین بودن سطح توقعات، سادگی و خوشدلی دوران کودکیمان بود.

اما الان... الان که بزرگ‌تر شده‌ایم چشمانمان را برای یافتن بهترین‌ها و وفادارترین‌ها باز می‌کنیم. و علی‌رغم تمام هوش و ذکاوتی که بکار می‌بریم، برخی از این رفقا در میانه‌ی راه آنچنان از پشت به آدم خنجر می‌زنند که اگر دشمن می‌زد، دردش کمتر بود و قابل مرهم. و آدم را یاد آن حکایت مرد پیاده‌ای می‌اندازد که خسته و گرسنه در بیابانی می‌رفت. سواره‌ای را می‌بیند و اجازه می‌خواهد که همراه او بر پشت اسبش بنشیند. و وقتی می‌نشیند، صاحب اسب را به پایین می‌اندازد و با شتاب قصد دور شدن از آنجا را می‌کند. صاحب مرکب در مقابل این رفتار ناشایست، تنها از او می‌خواهد که این ماجرا را برای کسی بازگو نکند، چرا

آنقدر چوب رفاقت‌های نادرستمان را خورده‌ایم که بعضاً به همه مشکوکیم. اما چه می‌شود کرد که انسان موجودی است اجتماعی و تاب تنهایی را ندارد و نیازمند مونس و دوستی است. پس بجای گوشه‌گیری و سوءظن، بهتر است در انتخاب این موجود صمیمی دقت‌نظر بیشتری به خرج دهد، تا بعدها متحمل خسارت معنوی نشود.



سلامت و بهداشت عقل و قلب از مولفه‌های تربیت اسلامی است. نقش این دو ابزار هدایت در دین اسلام، آنقدر مهم و اساسی است که سلامت آنها، تضمین‌کننده سعادت دنیای مادی و معنوی انسان‌هاست. امیرمومنان در اهمیت سلامت دل فرمودند:

آگاه باشید که تنگدستی بلاست و بدتر از آن، بیماری تن و بدتر از بیماری تن، بیماری دل است و از جمله نعمت‌ها، گستردگی ثروت است و بهتر از آن تندرستی است و از آن بالاتر، سلامتی دل است و هیچ دردی بر دل‌ها، دردناک‌تر از گناهان نیست. اما نقش هدایتگری عقل و قلب، در مسیر صحیح، مستلزم برخورداری از سلامت کافی آنها است. دین اسلام، به عنوان دینی هدایتگر و جامع، برای سلامت این دو نعمت بزرگ الهی تدابیری اندیشیده و دستوراتی داده است. یک دستور جامع و کامل که همه تدابیر را در بر می‌گیرد، تقواست. تقوا همان، طهارت و پاک شدن از آلودگی‌هاست چنانکه حضرت امیرمومنان فرمود: درمان بیماری‌های روح و عقل به ترک گناه است. زیاده‌گویی، خودپسندی، زیاد خندیدن، لهو و لعب، زبانی ثروت، گفتگوی بی‌حاصل، عشق غیرالهی، تکرار گناه، بیهوده‌گویی، فقر و بیکاری از جمله بیماری‌های قلب و عقل می‌باشند، که منجر به قساوت دل می‌شود.

در مقابل، از جمله مهمترین عوامل سلامت و بهداشت دل: قرائت قرآن است چرا که بهار دل‌هاست. و دیگر یاد خدا، یاد مرگ، اندیشه‌ورزی، گفتگوی علمی، دیدار با نیکوکاران، اطعام درماندگان، مهرورزی با یتیمان، طهارت از گناه و دوری از عشق غیرالهی، همگی از عوامل سلامت دل شمرده می‌شوند.

در دوستی ثبات نداشته باشد؛ و نیز انسان‌های حسود و زودرنج هم در زمره بدترین دوستان آورده شده است که از دوستی با آنها باید پرهیز کرد.

البته شناسایی تمامی این خصلت‌های مثبت و منفی در یک فرد، کاری است بس دشوار و نیازمند زمان؛ چه بسا که یک فرد ممکن است تمامی این خصایص نیکو را نیز نداشته باشد. از طرفی به این معنا نیست که نسبت به همه سوءظن داشته و تصور شود که دیگران برای رسیدن به منفعتی، قصد دوستی با تو را دارند. در واقع در انتخاب دوست بایستی کمال دقت را داشت و در عین حال اعتماد هم بخشی از این رابطه است.

و اما نکته‌ی پایانی، توصیه‌ی خداوند به ما باشد که بهترین دوستی‌ها، دوستی و محبت به پیشوایان معصوم (علیهم‌السلام) است، که خیر مادی و معنوی را برایمان فراهم می‌کنند. به این امید که همه‌ی دوستی‌ها، دارای درجاتی از ثبات و وفاداری باشد.

خوب و واقعی دارای ویژگی‌هایی است که آن را در سخنان ائمه (علیهم‌السلام) و بزرگان پیگیر شدیم، چرا که بهترین‌ها را در کلام همین دوستان حقیقی‌مان می‌توان جستجو کرد، بطور خلاصه در ذیل به آن‌ها اشاره می‌کنیم.

دوست واقعی یعنی کسی که:
- دیندار باشد و با این امتیاز، بُعد معنوی تو را شکوفا کند و یادآور خدا باشد.
- دروغگو نباشد.
- به عهد و پیمان وفادار باشد.
- از سلامت روح و روان برخوردار باشد.
- لغزش و اشتباهت را ببخشد، عذرت را بپذیرد و عیوبت را ببوشاند.
- عدالت و رعایت انصاف را در نظر بگیرد.

- اگر سه بار نسبت به تو خشمگین شد، درباری تو به بدی سخن نگوید.
- در کارهای خوب و مثبت تو راه‌نمایی و یاری کند و از کار نادرست، نهی کند.
- مؤدب به آداب اجتماعی و دارای اخلاق پسندیده باشد.
- عیب‌هایت را بر تو هدیه کند.
- و نیز بهترین دوستی، دوستی با افراد عاقل و خردمند است، چرا که به جان و روح آدمی زندگی دوباره می‌بخشند.

اما؛
- از دوستی با کسانی که به طمع چیزی به سوی تو آمده‌اند یا از روی ترس یا نیاز و یا بخاطر خورد و خوراک با تو دوستی می‌کنند، بر حذر باش و بپرهیز.
- همچنین بدترین دوستان به گفته‌ی مولای متقیان علی (علیه السلام)، کسی است که زود تغییر پیدا می‌کند، یعنی



طلیعه وحدت



هادی طلوعی

دانشجوی دکتری علوم سیاسی
دانشگاه تربیت مدرس

زمانی که جنگ‌های مذهبی اروپا در قرن هفدهم رخ داد، کاتولیک‌ها و پروتستان‌ها رودرروی هم قرار گرفتند و بر اثر جنگ، قحطی و بیماری‌های ناشی از آن آلمان ۸ میلیون نفر از جمعیت خود را از دست داد. این جنگ یکی از ریشه‌های دشمنی آلمان و فرانسه را کاشت. به‌گونه‌ای که بعدها جنگ‌های جهانی اول و دوم تحت تأثیر اختلافات این دو کشور شعله‌ور گردید. مجموع کشته‌های این جنگ‌ها ۶۰ میلیون نفر بوده و اروپا کانون این بحران به شمار می‌رود. با عنایت به چنین تجاربی در تاریخ اروپا، وحدت فعلی آن در قالب اتحادیه اروپایی سخت باورکردنی است. اما واقعیت این است که اکنون اتحادیه اروپا با عضویت ۲۸ کشور آن سیاست‌های مالی، بانکی، حقوقی و دفاعی مشترکی را در سطح جهان دنبال می‌کند. مقایسه این اتحاد اروپایی با اختلافات و درگیری‌های مذهبی کنونی در جهان اسلام تأسف هر شهروند خاورمیانه‌ای را برمی‌انگیزد.

جهان اسلام از زمان خلفای راشدین تحت حاکمیت واحدی به سر برده است. هر چند در خلال این دوران منازعات فرقه‌ای یا مذهبی در دنیای اسلام بروز داشته، اما هیچ‌گاه به سطح اختلافات دنیای مسیحی نرسیده است. در دوره حکومت صفویه در ایران و عثمانی در ترکیه هم اختلافات سیاسی تحت پوشش مذهب موجب جدایی و نبردهای فرساینده‌ای بین دو قدرت اصلی خاورمیانه گردید.

بعد از فروپاشی امپراتوری عثمانی و استقلال سرزمین‌های عربی، دوباره موجی از تعصبات فرقه‌ای و برادرکشی در میان برخی از مسلمین به راه افتاد. طلایه‌داران این جریان جدید، گروه‌های وهابی و سلفی هستند که

همسایگان یکدیگر هستند و دارای مرزهای جغرافیای مشترکی می‌باشند. پس اگر منطقه خاورمیانه به امنیت نیاز دارد، چنین امنیتی درگرو همکاری تمامی اعضا فارغ از هرگونه تعلقات مذهبی و ملی به دست می‌آید. نکته‌ای که نظام امنیتی اتحادیه اروپا بدان آگاهی دارد و بر پایه احساس نیاز به امنیت مشترک شکل گرفته است. بر این اساس تمامی رژیم‌ها و ائتلاف‌های امنیتی که در منطقه ایجاد می‌شود، باید بر عضویت و همکاری تمامی همسایگان و دول هم‌جوار مبتنی باشد. در مرحله‌ی بعد و در سطح اجتماعی نیز مردمان باید به ضرورت اتحاد و همبستگی دینی وقوف یابند. شیعیان و اهل سنت همسانی‌های فراوانی همچون باور به خداوند یکتا، دین اسلام، کتاب آسمانی، قبله مشترک و بسیاری از مشترکات دیگر دارند که ظرفیت‌های بالقوه‌ای را در جهت اتحاد و برادری اسلامی میان آنان ایجاد می‌نماید. به‌عنوان مثال تا پیش از قدرت گرفتن گروه‌های افراطی در عراق، شیعیان و اهل سنت سال‌ها در کنار یکدیگر و به آرامش می‌زیستند، اما اقدامات وحشیانه این گروه‌ها در قبال شیعیان، اهل سنت، مسیحیان و پیروان دیگر ادیان، رؤیای دیرینه وحدت اسلامی را کمرق نمود.



پخوانی‌م

آنچه رسانه‌ها به شما نگفته‌اند



چندین سال پس از آغاز جنگ عراق و نبرد نیروهای ائتلاف بین‌المللی به رهبری آمریکا در عراق، برخی از روزنامه‌نگاران آمریکایی این جسارت و قدرت را به دست آورده‌اند تا بر مبنای دیده‌ها و تجربیات خبری و تحلیل‌های خود برداشتی آزاد و بسیار متفاوت از نقش کشورشان در بزرگترین بحران نظامی قرن معاصر را ارائه دهند؛ برداشتی که کتاب «حمله به عراق؛ آنچه رسانه‌ها به شما نگفتند» شرح آن است. در این کتاب دو خبرنگار و تحلیلگر رسانه، در پی سفری که پیش از آغاز حمله آمریکا به عراق داشته‌اند و در ادامه آنچه که رسانه‌های کشورشان درباره این نبرد به خورد مردم دنیا داده‌اند، در اقدامی تحسین‌برانگیز به تشریح سازمان رسانه‌های آمریکا در مواجهه با جنگ عراق پرداخته‌اند. سولومون و ارلیک در این اثر هیچ ابایی ندارند تا سازمان رسانه‌ای که خود جزئی از آن به شمار می‌روند را با افشاگرایی به سبک گزارش‌هایی که در مورد سوژه‌های دیگر داشته‌اند، به زیر تیغ برده و دست آنها را رو کنند. بخش عمده و متمایز این کتاب را اما نه روزنامه‌نگاران و سیاستمداران که مردمی تشکیل می‌دهند که سولومون و ارلیک با آنها به گفتگو نشستند و آنها بر خلاف سیاست رسمی کشورشان اذعان می‌کنند که آماده هر نوع رویارویی با دشمن متجاوز به کشورشان هستند؛ هرچند که از جنگ و نزاع خسته‌اند و همین اظهار نظرهای صادقانه در مقابل آنچه رسانه‌ها به عنوان نظرسنجی به خورد مخاطبان‌شان می‌دهند، نخ تسبیح فضا سازی‌های رسانه‌ای مسمومی است که دو نویسنده کتاب سعی در افشای ابعادش دارند. این کتاب را نشر نیستان به چاپ رسانیده است.



امیر مسروری

مدیر اندیشکده مطالعات جهان اسلام



جنون عثمانی

مختلف فرمانطقه‌های همانند روسیه و شکست‌های پیاپی گروه‌های تروریستی در سوریه و عراق، گروه‌های تروریستی از ترس نابودی به داخل ترکیه پس زده شوند و این یعنی آغاز ناپهنجاری و درگیری داخلی در ترکیه و افزایش تنش‌های امنیتی در داخل این کشور. در چنین شرایطی بایستی اوضاع بد اقتصادی پیش آمده از تحریم‌های روسی را با اوضاع امنیتی پس از سوریه تلفیق نماییم. بنابراین به هیچ عنوان حال و روز ترکیه را موفق نخواهیم دید.

با تحلیل فوق می‌توان دریافت راهبردهای تغییر یافته‌ی اردوغان چه در مسئله‌ی منطقه و چه در مسئله‌ی داخلی موجب جریان سازی‌های ضد ترکی در منطقه گردیده است. هر چند ترک‌ها روابطشان را با عربستان سعودی بهبود بخشیدند اما به طور حتم با محور مقاومت روابطشان را تخریب کرده و این محور به ویژه ایران در دوران پس از تروریسم سوریه، نقش آفرینی موفق خواهد داشت و ترک‌ها مجبورند برای بدست آوردن وزنه‌ی سیاسی چانه‌زنی‌های خودشان را نسبت به ایران بیشتر کنند. از سویی دیگر جنگ با روسیه نیز بر سر ترکیه سایه افکنده و این جا نیز ایران است که می‌تواند روس‌ها را از انتقام بازدارد و یا اثر این انتقام را کاهش دهند. باید دید اردوغان گام‌های بعدی را به این بدی برمی‌دارد یا به سیاست تنش‌زدایی با همسایگان برمی‌گردد.

و آغاز تنش میان ترکیه و روسیه یا به تعبیر بهتر روسیه و ناتو که در مسئله‌ی کریمه و اوکراین این درگیری موجب نگرانی‌های بسیاری شد، این بار در موضوع ترکیه نمایش دوباره پیدا کرد. چنین موضوعی موجب گردید ترک‌ها به سبیل روسیه تبدیل شوند و علاوه بر تحریم‌های مختلف روسی، فشار جنگ را نیز احساس کنند. حالا ترکیه‌ی ساخته شده به دست اردوغان امکان نابودی برای خود متصور است. اگر ترک‌ها نتوانند حتم به اوضاعی بدتر در دهه‌ی ۸۰ و ۹۰ می‌رسند و یک بار دیگر همه چیز مردم ترکیه از دست خواهد رفت.

۲. انتقال بحران سوریه به داخل ترکیه : هدف قرار گرفتن چند بخش از ترکیه توسط بعضی از گروه‌های تروریستی هر چند به زعم کارشناسان با هدایت دستگاه اطلاعاتی ترکیه یعنی میت بود، تا بدین صورت فضای سیاسی داخلی ترکیه را تغییر داده و اقبال عمومی را به سمت حزب حاکم یعنی عدالت و توسعه افزایش داده و اکراد را از صحنه‌ی سیاسی ترکیه کنار زند. اما با ورود رسمی ترکیه به جنگ علیه سوریه و عراق، هر دو حاکمیت با شدت نسبت به این مسئله واکنش نشان دادند. این امکان وجود دارد که به دلیل حمایت همپیمانان منطقه‌ای این دو کشور و نیز جریانات

شده است. اردوغان که روزگاری موضوع نفی هر نوع همکاری با صهیونیست‌ها را پس از فاجعه‌ی حمله به کشتی غزه را دنبال می‌کرد، اکنون همچون اسلاف سیاسی وابسته‌ی منطقه‌ای اردن و مصر، می‌خواهد عادی‌سازی روابط کشورش با اسرائیل را پیگیری کند.

سه: بسیاری از تحلیل‌گران به طور حتم موضوع تحولات اخیر منطقه را با نقش آفرینی ترکیه غیر قابل پیش‌بینی می‌دانند. ورود روسیه به مسئله سوریه و زدن هواپیمای روسی توسط ترک‌ها، جهان را تا جنگ جهانی سوم و حتی درگیری اتمی پیش برد! تا جایی که ترکیه به پشتیبانی دو محور یعنی ناتو و عربستان سعودی می‌خواهد محورهای مختلف درگیری را افزایش دهد. به صراحت اسناد موجود نشان می‌دهد ترک‌ها با اطلاع کامل علاوه بر حمایت از گروه‌های تروریستی وابسته به اخوان المسلمین سوریه و ارتش آزاد، محور خوبی برای حمل و نقل و پشتیبانی منابع مالی و انسانی بزرگترین گروه تروریستی شامات یعنی داعش شده است. این مسئله در واقع به ترکیه این فرصت را داده تا با استفاده از موضوع جنگ نیابتی فضای منطقه را علیه محور مقاومت به کار گیرد. به واقع آینده‌ی ترکیه در گرو دو مسئله‌ی مهم است:

۱. سرانجام رسیدن تنش میان ترکیه و روسیه : در فرایند درگیری

ترکیه با عراق و سوریه و جمهوری اسلامی ایران بودیم. حرکت ترکیه در نفی دولت صهیونیستی و افزایش تنش میان کابینه‌ی اردوغان با رژیم اشغال‌گر قدس امیدها را برای تحقق یک دولت اسلامی همسو با محور مقاومت در منطقه زنده کرد. اما خطای راهبردی ترکیه در سوریه موجب شد تمامی زحمات این چند ساله‌ی اردوغان به باد هوا رود. اردوغان به صراحت در مسئله‌ی سوریه خبر از نماز در مسجد اموی داد اما با جریانات ایجاد شده نه تنها این آرزو را برای همیشه از دست داد، صحنه و سیاست به دست آمده‌ی خود را نیز نابود کرد. با فعالیت‌های نوع‌عثمانی‌گرایی اردوغان آنچنان منطقه نسبت به سیاست‌های این کشور حساس شد که، به تعبیر بسیاری از تحلیل‌گران، فعالیت اردوغان دیگر از حد یک کشور بی‌طرف فراتر رفته و به صراحت در سه منطقه مستقیم درگیر جنگ است. فعالیت‌های میدانی اردوغان در سوریه و ورودهای متعدد به خاک سوریه اعم از دفاع از قبر سلطان عثمانی تا حمایت از گروه‌های به اصطلاح میانه‌رو گرفته تا ورود به خاک عراق موجب درگیری صریح اردوغان با همسایگان شده است. به تعبیر بهتر اردوغان هر چه در سیاست خارجی بدست آورد به راحتی در مدت چند ماه از دست داد و حالا اردوغان بخش قابل توجهی از محور تکفیری-صهیونی منطقه

یک: بعد از سالها مردم ترکیه شاهد اتفاقات خوب در اقتصاد خودشان بودند. بعد از روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه، ترکیه شاهد تغییرات گسترده در وضعیت مردم این کشور و رشد چشمگیر اقتصادی در زمینه‌های مختلف بود. روزگاری مردم این کشور از بانک جهانی وام می‌گرفتند! اما حالا این ترکیه است که حاضر به وام دادن به بانک جهانی است. آمارها نشان می‌دهد حزب عدالت و توسعه و شخص اردوغان برای اقتصاد ترکیه و رفاه اجتماعی در این کشور زحمات فراوانی کشیدند. به طوری که افزایش سه برابری درآمد سرانه، رشد ۷ برابری توریسم، افزایش ۱۰ برابری بزرگراه‌ها، افزایش ۶ برابری صادرات، تسویه بدهی بانک‌ها بین‌المللی و از همه مهمتر اعطای وام ۵ میلیارد دلاری به صندوق بین‌المللی پول و... بخشی از این دستاورد حزب عدالت و توسعه به رهبری اردوغان در چند سال اخیر بوده است. بدین ترتیب باید گفت این ترکیه مدیون زحمات شدید اردوغان در فعالیت‌های مختلف اقتصادی است.

دو: اردوغان در کنار فعالیت اقتصادی سیاست تنش‌زدایی و صفر کردن تنش میان خود و همسایگانش را نیز شروع کرد و شاهد گسترش روابط میان کشور

بسیاری از تحلیل‌گران به طور حتم موضوع تحولات اخیر منطقه را با نقش آفرینی ترکیه غیر قابل پیش‌بینی می‌دانند. ورود روسیه به مسئله سوریه و زدن هواپیمای روسی توسط ترک‌ها، جهان را تا جنگ جهانی سوم و حتی درگیری اتمی پیش برد! تا جایی که ترکیه به پشتیبانی دو محور یعنی ناتو و عربستان سعودی می‌خواهد محورهای مختلف درگیری را افزایش دهد.

چه می‌کنه این عادل!

یک چهارم نهایی جام ملت‌ها بالاتر نمی‌رود، آرزوی رفتن به المپیکش ۴۰ ساله شده، ۲۴ سال است جام قهرمانی باشگاه‌های آسیا حوالی ایران هم پیدایش نشده و ۱۱ سال است بازیکن سال آسیا نداشته‌ایم. درباره علل پیشرفت والیبالی و سقوط و به حضيض رفتن فوتبال بحث بسیار است که بررسی‌اش «آسوده سری خواهد و مهتاب شی» ولی عجالتا بی‌شک یکی از دلایل موفقیت والیبالی، محروم بودن از موهبتی چون ۹۰ والیبالی و عادل سیاسی‌پور و از این قسم است، برنامه‌ای که حاشیه‌های خاله‌زنگی را به متن بی‌آورد!

۹۰ در این ۱۷ سال توانسته یک میلی‌متر فرهنگ تماشاگران فوتبال ایرانی را افزایش دهد؟ توانسته حاشیه‌های فوتبال ایران را مدیریت کند؟ اواسط دهه ۷۰ همان موقع که ست‌های والیبالی هنوز ۱۵ امتیازی بود و امتیازات رالی نشده بود تیم ملی والیبالی ایران معمولاً پنجم یا ششم آسیا می‌شد. تیم ملی فوتبال ایران در جام ملت‌ها کره جنوبی را ۶ تایی می‌کرد، عربستان را ۳ تا ۳ تا می‌زد و استقلال و پرسپولیس حداقل تا نیمه‌نهایی باشگاه‌های آسیا بالا می‌آمدند اما حالا قصه کاملاً برعکس شده؛ والیبالی نه تنها آسیا را فتح کرده که چهارم جهان هم می‌شود اما فوتبال ۳ دوره است از

دیدگاه از سیاسی بودن برنامه ۹۰ و دخالت دادن سلیقه شخصی سیاسی و فرهنگی مجری و تهیه‌کننده‌اش این هفته زیاد صحبت شد، حتی هواداران برنامه ۹۰ و رفقای جناب مجری برای‌شان مسجل است که اگر قرار بود روزی برنامه ۹۰ به دیپلماسی ورزشی بپردازد زمانش آن وقت بود که با دیپلماسی، بازی ایران و برزیل جور شد نه حالا که نزدیک به ۱۸ ماه از جام جهانی می‌گذرد و هنوز دستگاه دیپلماسی نتوانسته پاداش جام جهانی بیستم را برای فدراسیون نحیف و فقیر کفایشان وصول کند!



سلام بی نظیرترین دوست



سلام بی نظیرترین دوست
تقدیم چشم‌های تو این شعر ناتمام من
زیباترین افق به تماشای من سلام؛
با داشتن تو، بغض نخست‌مان را از
رنج نبود یاران سفر کرده‌مان از موطن
امن الهی فرو بردیم و قلب‌های آکنده از
دلتنگی و فراق عزیزانمان را با غم نبود
حسین پیوند زدیم؛

به تاسی از قهرمان سرزمین کرب و
بلا، اسوه صبر جهانیان، فاطمه صغری، با
شنیدن و دیدن اخبار جنایت‌ها در عراق
و فلسطین و سوریه و یمن، صبر جمیل
را توشه خود کردیم و با منزل یافتن این
مهاجران در بهشت برین، تسکینی بر
نگاه‌های منتظر خود یافتیم.

محرم و صفر را تجدید میثاق قرار
دادیم با مرور بدهای آسمانی که نمادشان
بر زمین خاکی مستقر شده است و نجف
و کربلا و سامرا و کاظمین را سرمایه
زوال‌ناپذیر سعادت و کامیابی‌مان قرار
دادند.

ما بدنال دواي دردهای خود و راه
بلد ما، مظهر رحمت و عطوفت محمدی،
مخاطبش اما انسانیت برای تمامی افراد و
اعصار بود:

" برای من تأسف بار است که چنین
رویدادهایی بستر سخن را بسازد، اما
واقعیّت این است که اگر مسائل دردناک،

زمینه‌ای برای چاره‌اندیشی و محملی
برای همفکری فراهم نکند، خسارت
دوچندان خواهد شد. هر کس که از
محبت و انسانیت بهره‌ای برده باشد، از
دیدن این صحنه‌ها متأثر و متألم می‌شود؛
چه در فرانسه رخ دهد، چه در فلسطین
و عراق و لبنان و سوریه. قطعاً یک‌وینیم
میلیارد مسلمان همین احساس را دارند
و از عاملان و مستببان این فجایع، منزجر
و بیزارند. اما مسئله این است که رنج‌های
امروز اگر مایه‌ی ساختن فردایی بهتر و

ایمن‌تر نشود، فقط به خاطره‌هایی تلخ و
بی‌ثمر فرو خواهد کاست..."

آری، برای ما که تکلیف‌مان را فراموش
کردیم در همراهی‌ها و بیداری برادران
و خواهران‌مان و در پس این غبارها جا
مانده نیز بودیم از اربعین کربلا، بغضی
فراموش‌ناشدنی دگر رقم خورد که
تجلی‌گری واقعی برای این معنا بود...
الدنیا سجن المومن... ما اسیر قفس نفس
بودیم و نزدیکترین دوستان، عزیزان،
همکلاسی‌ها و اساتیدمان ... نجات یافته

از زنجیرهای دنیا و رهسپار دیار عاشقی.
با کوله‌پشتی‌ای مملو از دلدادگی
امامشان در دعوتش، از مرزهای مهران
و شلمچه و چذابه، با پای دل گذر
می‌کردند و طواف بین الحرمین را ویزی
عبورشان از پل صراط به جنه الماوی
قرار دادند و... ما پشت تصاویر شور و
شعف آن‌ها در طلب بارشان، در حسرت
ماندن و بودن و دیدن اربعین دگر
آنجا که صحبت از سیرت‌ها شد و گفته
شد که دعوت‌شدگان به اربعین کربلا

سیرت‌شان ولایی بود و این‌ها آنانند که در
یوم تبلی السرائر نیز مسرت در چهره‌هاشان
نمایان می‌شود و با حب امروزشان به
مقتدانشان، آنروز نیز باز هم برایشان کارت
دعوت می‌فرستند، اشک‌ها و فغان‌هایمان
را با لبیک گفتن به نایب امام عصرمان
تسلی دادیم و ازو خواستیم تا شفاعت ما
را برای حضور در اربعین دیگر کند.

بر طراوت ربیع‌مان، ابرهای تیره‌پلیدی‌ها
سایه افکند و به خون کشیدن‌های سریالی
این بار در نیجریه و در سوی دیگر سکوت
دوباره همگان بعد از منا و عرفات، تنهایی
و جدایی‌مان را از طوفان واژه‌ها، صاحب
عصر و زمان‌مان بیشتر فریاد زد.

در سکوت مبهم واژه‌ها...
غرورم نشانه رفت
شکست و باز هم سکوت من!
اما این بار قلم زدن نه حکایت کردن از
بیم و امیدهاست که روایت‌گری نیل به
آرمان‌ها و آرزوهاست.

صحنه‌های کشتار، گورهای دسته‌جمعی،
سوزاندن‌های این ابدان معصوم و مظلوم در
نیجریه، دوباره اتفاق افتادن‌های صحنه‌های
کربلا و شنیدن آهنگ " هل من ناصر
ینصرنی"، نوید احیاء اسلام ناب محمد و
زنده‌ماندن آن را در قلب آفریقای ما دهد.

ناراحتی‌مان را در سینه‌هایمان
پنهان می‌کنیم و خوشحالی‌مان را
در جعبه‌های کادویی با زورق‌های
رنگارنگ و شیرینی دانه‌های سرخ
رنگ انارهای یلدایی به یکدیگر هدیه
می‌کنیم .

قلم سمبل علم، فرهنگ و آرامش



اگر تاکنون از قلم و کاغذ استفاده
نکرده‌اید، موهبتی را از خود دریغ کرده‌اید
که بر فکر و عواطف تأثیر به‌سزایی دارد.
در قرآن کریم نیز به این امر مهم اشاره
شده است. خداوند در ابتدای سوره قلم به
دو موضوع از مهمترین مسائل زندگی بشر
سوگند یاد کرده، می‌فرماید: سوگند به
قلم" و آنچه را با قلم می‌نویسند.

قلم همان چیزی است که سرچشمه
پیدایش تمام تمدن‌های انسانی، پیشرفت
علوم، بیداری اندیشه‌ها و سرچشمه
هدایت و آگاهی بشر است. خداوند از این
جهت این سوگند را یاد کرده که قلم و
نوشته از عظیم‌ترین نعمت‌های الهی است،
به وسیله آن حوادث غایب از انظار و معانی
نهفته در درون دل‌ها را ضبط می‌کند.
نوشتن و استفاده از قلم، بسته به
نوع افراد و با توجه به اثری که بر جای
می‌گذارد، می‌تواند سمبل یکی از امور
زیر باشد:

۱. قلم سمبل علم:

- تحقیق و پژوهش: در تفسیر سوره
قلم و سوگند ابتدایی آن بیان شده قلمی
ارزشمند است که کنار آن نوشتن هم باشد،
وقلم‌های بیکار ارزش سوگند ندارند. یعنی
صاحبان علم باید دانش خود بهره‌برده و
در جهت تعالی آن قدم بردارند.
- خلاصه برداری: خواندن متون علمی و

معتقدند در صورت داشتن دلپره،
اضطراب و استرس، تمام احساس خود
را بر روی کاغذ نوشته، ذهن خود را
از ناآرامی‌ها و تنش‌ها خالی کنید.
انتقال افکار مزاحم و احساساتی
چون کینه، حسد و ... بر روی کاغذ،
سبب آرامش روان و سامان یافتن
ذهن می‌شود. البته روانشناسان
بر این نکته نیز تأکید کرده‌اند که
پس از نوشتن احساسات منفی خود،
بلافاصله آن را پاره کرده و آن را دور
بیاندازید، تا برایتان دردسر نشود!

برخی از متخصصین علوم پزشکی
نیز معتقدند نوشتن از حوادث و
وقایع دردآور، موجب بهبود و بالا
رفتن سلامتی و ایمنی بدن می‌شود.
- نوشتن نامه: گاهی زبان از گفتن

برخی کلمات و حرف‌ها قاصر است
یا برعکس به زبان آوردن آن حرف
اثر منفی دارد، در اینجا می‌توان از
نامه نوشتن استفاده کرد. در حال
حاضر پیام‌های مجازی جایگزین
نامه شده‌اند، اما هنوز هم نامه‌نگاری
راهکاری مناسب به شمار می‌آید.

- تنظیم قرارداد: طولانی‌ترین آیه
قرآن (بقره/۲۸۲) در امور تجاری و
اقتصادی دستوراتی را مطرح کرده، یکی
از این دستورات امر به کتابت و تنظیم
قرارداد است. توجه به این امر از تسبیح
حقوق افراد جلوگیری، و برای طرفین
قرارداد آسودگی خاطر ایجاد می‌کند.
(بی‌نوشت)

۱- علامه طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۹، ص ۱۶:۶۱۶
۲- محسن قرائتی، درس‌هایی از قرآن، مورخ
۱۳۶۷/۱۰/۸

را از سایر مطالب تفکیک کند؟ همچنین
ممکن است به دلیل عدم وجود شرایط
مناسب برای محقق کردن آن هدف،
ذهن آن را بایگانی و یا حذف نماید.
بنابراین لازم است دستی باری کند و این
اهداف را بر روی کاغذ بیاورد. هنگامی که
هدفی نوشته می‌شود، تلاش فرد برای به
نتیجه رساندن آن نیز بیشتر می‌شود.

- برنامه‌ریزی: روزانه کارهای ناتمام
ذهن افراد را به خود مشغول کرده و سبب
نگرانی و اضطراب آنها می‌شود. برخی
از این کارها حتی بیشتر از یک دقیقه
زمان نیاز ندارند. لذا برای انسجام فکر و
ذهن، تهیه لیستی از کارها و برنامه‌ریزی
برطبق اولویت‌ها نیاز است. با این کار برای
همیشه پرونده برخی امور بسته می‌شود.

۳. قلم سمبل آرامش:

- نوشتن احساسات: روانشناسان

نمی‌شوند، به این افراد توصیه می‌شود
که حداقل نکات مهم را یادداشت کنند.
۲. قلم سمبل فرهنگ:

- نوشتن شعر و داستان: هر یک از
شاعران و نویسندگان سهم زیادی در
فرهنگ یک جامعه داشته و در نیاز
جامعه به قلم در دست گرفتن آنها
تردید وجود ندارد. با این حال افرادی
هستند که این استعداد بالقوه را در خود
کشف نکرده و یا منتظر فرصت مناسب
هستند. کافی است قلم در دست گرفته،
شروع کنند و مهارت خود را بالا ببرند.

- نوشتن اهداف: قطعاً هر فردی برای
خود اهدافی در نظر دارد، اما تا زمانی که
این اهداف تنها در ذهن بماند با افکار
و خیالات و حتی اوهام مخلوط شده و
قابل تشخیص نخواهد بود. مگر ذهن
چقدر توانایی دارد که هر روز این اهداف



با تشکر از روابط عمومی دانشگاه

مطالب مندرج در نشریه، فقط بیانگر دیدگاه‌های نویسندگان است. چشمه در چکیده سازی و ویرایش مطالب، آزاد است. استفاده از مطالب نشریه، با یاد منبع، مانعی ندارد.

Cheshmeh Cultural, Social, News Magazine TarbiatModares University
صاحب امتیاز: دفتر نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه تربیت مدرس
مدیر مسئول: حجت الاسلام دکتر علی فلاح رفیع
سردبیر: مرتضی فاضلی
مدیر اجرایی و ویراستار: خانم سودابه شجاعی
دبیر: تحریریه: سیامک شادکام
گرافیک و صفحه‌آرا: سعید خیراله
مجری طرح: موسسه فرهنگی هنری کیمیای مهر معرفت

ماهنامه‌ی فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و خبری دانشگاه تربیت مدرس



سال سوم. شماره بیست و یکم. دی ماه ۱۳۹۴

گفتگوی خواندنی با مجری سیما ارزش چادر را بالا ببریم



به کوشش طاهرا رضوانی

از چه زمانی وارد بخش گویندگی خبر شدید؟

سال ۸۸ دقیقاً بعد از انتخابات وارد بخش گویندگی شدم. من از کودکی علاقه‌ی بسیاری به بخش گویندگی داشتم و از زمانی که یادم می‌آید همیشه میکروفون چه در مهدکودک و چه در مدرسه همراه من بوده و در مدرسه بعنوان مجری برنامه و گروه سرود برنامه اجرا می‌کردم. رشته‌ی دبیرستانم ریاضی بود و کنکور ریاضی شرکت کردم و بین انتخاب‌هایی که داشتم دانشگاه امام صادق (ع) رشته حقوق را ترجیح دادم. ترم ۳ کارشناسی ارشد بودم که وارد بخش گویندگی خبر شدم. دانشگاه امام صادق (ع) ارتباط خوبی با بیرون دارد و چون در دانشگاه استادان اجرای من را دیده بودند گاهی پیش می‌آمد که به جاهای مختلف من را معرفی کنند. از بین پیشنهادات مختلفی که داده شده بود صدا و سیما را انتخاب کردم. آن زمان شبکه خبر گوینده جذب می‌کرد و یکی از استادان چون از علاقه من به اجرا خبر داشت پیشنهاد داد که در آزمون آن شرکت کنم. که اتفاقاً پذیرفته شدم. همزمان شبکه‌ی ۲ تازه داشت شبکه‌ی خانواده می‌شد که آن زمان مدیریتش با آقای فرجی بود. ایشان از آنجا که رشته‌ام حقوق خانواده بود از من خواست به عنوان کارشناس مجری در این شبکه مشغول به کار شوم. اما از آنجا که این نوع برنامه‌ها ثابت ندارد و به تهیه‌کننده بستگی دارد آنرا نپذیرفتم. از این رو سراغ خبر رفتم. و کارم را به عنوان دبیر خبر و گوینده آغاز کردم. اما بنا بر دلایلی مدتی از گویندگی فاصله گرفتم. از آنجا که به زبان انگلیسی مسلط بودم کار ترجمه و مانیتورینگ خبر انگلیسی شبکه‌ی خبر را انجام می‌دادم. تا اینکه از شبکه‌ی یک به من پیشنهاد دادند که به آنجا بروم. اولش قرار بود گفتگوی ویژه را اجرا کنم که آن موقع یکسری جوان‌های باشگاه خبرنگاران اجرا می‌کردند. وقتی تست دادم پذیرفته شدم و به مقداری هم که گذشت گفتند تست خبر ۱۴ را هم بدهید باز هم پذیرفته شدم و گفتند خبر ۱۴ را اجرا کنید چند جلسه تست را دادم این فرآیند همیشه خیلی طول می‌کشد ولی برای من خیلی سریع انجام شد به همین دلیل اجرا من روی آنتن خبر ۱۴ برای همه عجیب بود. از سال ۹۱ خبر ۱۴ را شروع کردم آنجا هم بعنوان دبیر خبر بودم و متعارف بود که گوینده بعنوان دبیر خبر هم باشد چون خیلی وقت‌ها خبر دیر به گوینده می‌رسد و مجبور هستید همانجا روی آنتن برخی را ویرایش کنید.

زمانی که این کار به شما پیشنهاد شد نریشن خوانی بود یا گویندگی بود؟ چه شد که دبیر خبر هم شدید؟ تست من گویندگی بود. اما از همان ابتدا گویندگی را همزمان با دبیری خبر انجام دادم. چرا که گوینده خوب کسی است که دبیر خبر هم باشد. دبیر خبر، خبر را از منابع مختلف خبری از جمله سایت‌ها و خبرگزاری‌های مطمئن جمع آوری می‌کند و با پیشنهاد و مشورت سردبیر، آنها خلاصه و ادغام و در واقع یک خبر جدید تولید می‌کند که برحسب نیاز ممکن است خبر کوتاه باشد، یا پلانونی یک گزارش یا خبر مکتوب و یا سایر مدل‌های خبر. دبیر خبر این خبرها را تهیه می‌کند و می‌فرستد برای سردبیر، سردبیر هم ممکن است یکسری فرآیندهایی روی آن انجام دهد و بعد خبری برود روی آنتن و گوینده آن خبر را بخواند.

فرق رادیو و تلویزیون چیست؟

کار در تلویزیون یک سختی دارد و در رادیو هم یک نوع دیگر سختی دارد. دو جنس مختلف هستند. در تلویزیون پوشش رنگ، حرکات صورت و بدن، Body language و... کمک می‌کند و همه این‌ها در مخاطب اثر گذار است برای همین باید به همه این‌ها حواست باشد. خیلی وقت‌ها پیش می‌آید وقتی در حال اجرا هستم در گوشی به من اعلام می‌کنند که این خبر آماده نیست، این آماده است این خبر را بخوانید و این را نخوانید و دائم در گوش من حرف می‌زنند. از آن طرف متن‌نمایی که ما از روی آن خبر می‌خوانیم باید حواسمان به آن باشد و از آن طرف باید به حرکات صورت و چشم توجه کنیم. متن‌نما که از روی آن خبر می‌خوانیم پدالش زیر پای ماست و وقتی می‌خواهیم خبرها را رد کنیم باید با دست بزنییم. خبر به خبر را با دست رد می‌کنیم اما خط به خط را عادی با پا رد می‌کنیم. اما در رادیو تمام توانمان را باید در صدایمان منعکس کنیم که سختی‌های خودش را دارد و من این را در اجرای رادیو اربعین که لطف خدا و امام حسین (ع) بود تجربه کردم.

انتخاب نوع لباس و رنگ با گوینده است؟

در ابتدا به ما یک چارچوب می‌دهند که بسته به نوع بخش خبری و دکور باید لباسمان مناسب باشد. معمولاً برای آقایان لباس خود سازمان تهیه می‌کند. و برای خانم‌های مانتویی؛ مانتو، شلوار و مقنعه‌شان با سازمان است و چارچوبی هم در مورد کوتاهی و بلندی لباسشان دارند که باید رعایت کنند. من پیشنهادی در تنوع رنگی را در لباس‌ها دادم. گرچه قانع کردن سازمان کمی سخت بود اما وقتی مردم خیلی استقبال کردند و با روابط عمومی سازمان تماس می‌گرفتند و از اینکه یک خانم با چادر و در عین حال با لباس خوش رنگ خبر اجرا می‌کند تشکر می‌کردند باعث دلگرمی من می‌شد. به نظرم باید ارزش چادر را بالا ببریم. مردم دیدن که می‌شود گوینده چادری باشد و عفاف خودش را داشته باشد و در عین حال پوشش زیبا هم داشته باشد.

آیا در رسانه ملی سانسور داریم؟ نظر شما چیست؟

به این می‌گویند دروازه‌بانی خبر که در همه‌ی جای دنیا وجود دارد. یک واقعه کاملاً با زاویه دید و ابعاد مختلفی قابل روایت است روایت‌هایش مختلف می‌شود و بستگی به زاویه‌ی دید ما دارد. بستگی دارد ارزش خبری برای ما چه چیزی باشد ارزش خبری مثلاً چه کسی و یا چه زمانی است و چه چیزیش برای ما مهم است. این رو هر رسانه‌ای با توجه به ارزش‌هایش خبر را بازتاب می‌دهد. بنظر من شاید نتوانیم بگوییم سانسور. بحث اینکه هیچ رسانه‌ای بی‌طرف نیست قطعاً سیاست‌ها اثرگذار هستند برای ما سیاست‌ها و اولویت‌هایمان خیلی مهم هستند و ببینیم چه چیزی در کشورمان اهمیت دارد.

در طی فرآیند خبررسانی سخت‌ترین قسمت به نظر شما چیست؟

اجراً! سختی‌اش بخاطر این است که نتیجه زحمات همه را باید گوینده خبر بازتاب بدهد چون یک تیم عریض و طولی دارد که فعالیت می‌کنند و مجری رسالتش این است که کار همه را باید نشان بدهد. دبیر خبر، تحریریه، سردبیر در اتاق

فرمان، کارگردان، ناظر بخش، تهیه‌کننده، فنی و... همه اینها تیم چندین نفره هستند. بار مسئولیت همه را گوینده بعهده دارد که این وظیفه‌ی خیلی سنگین و سختی است که اگر از عهده‌اش برنیاورد خستگی در تن همه می‌ماند. بعضی موقع‌ها که در تحریریه خبر هستم می‌بینم که وقتی گوینده در اجرا دچار اشتباه می‌شود همه ناراحت می‌شوند. چرا که مردم گوینده خبر را همه کاره خبر می‌دانند.

سخن پایانی:

شغل گویندگی یکی از مشاغل است که افراد بسیاری به آن تمایل دارند و حس می‌کنند توانایی‌اش را دارند. قبول دارم که شغل جذابی است و بعلاوه ارتباطی که با مردم دارد و شاید زمینه شهرتی را فراهم می‌کند، در ابتدای کار، شیرین هم باشد. اما شغلی است به غایت دشوار و پر استرس، بخصوص اجرا در بخش‌های اصلی و شبکه‌های مهم و رسمی از جمله شبکه یک سیمای رسانه ملی. غیر از اینکه کار ما کاملاً سلیقه‌ایست و بستگی به نظر مدیرانمان دارد اما انکار نمی‌کنم که با همه این سختی‌ها هر روز بیشتر دوستش دارم، بخصوص وقتی که حمایت‌ها و دلگرمی‌های مردم را می‌بینم که بعنوان یک گوینده چادری و محجبه تشویق می‌کنند. البته همیشه هدفم این بوده که در کنار اجرا و پیشرفت در آن، در سایر فرآیندهای تولید خبر و نیز تحصیل علم و تدریس فعالیت کنم و تک بعدی نباشم، حالا هم یکی از بزرگ‌ترین آرزوهایم این است که در کنار اجرا هیات علمی هم باشم ان شاء الله.

هر رسانه‌ای با توجه به ارزش‌هایش خبر را بازتاب می‌دهد. بنظر من شاید نتوانیم بگوییم سانسور. بحث این است که هیچ رسانه‌ای بی‌طرف نیست. قطعاً سیاست‌ها اثرگذار هستند، برای ما سیاست‌ها و اولویت‌هایمان خیلی مهم هستند و باید ببینیم چه چیزی در کشورمان اهمیت دارد.

خبررسانی در صدا و سیما تابع عوامل بسیاری می‌باشد. اما آنچه که بیشتر در این کار دسته جمعی نمود پیدا می‌کند و بار اصلی را بر دوش دارد گویندگی خبر می‌باشد. مخاطب به صورت مستقیم با مجری خبر در ارتباط است و گاهی یک مجری در مقابل میلیون‌ها بیننده قرار می‌گیرد. از این رو تمام حرکات دست و صورت، تن صدا، نوع پوشش و عواملی از این دست همگی در ارائه خبر به مخاطب موثر است. فضا سادات حسینی چهره آشنای خبر رسانه ملی مصداق بارز ضرب المثل آب در کوزه ما... می‌باشد. از این رو که این مجری خبر تلویزیون در همین دانشگاه خودمان مشغول به تحصیل می‌باشد. آنهم در مقطع دکتری و گرایش حقوق زن در اسلام! وقتی قرار مصاحبه‌مان کردیم با روی باز موافقت کرد. آنچه که در ادامه می‌آید حاصل گفتگوی چشمه با این گوینده و دبیر خبر شبکه یک و قرآن می‌باشد.

من پیشنهادی در تنوع رنگی را در لباس‌ها دادم. گرچه قانع کردن سازمان کمی سخت بود اما وقتی مردم خیلی استقبال کردند و با روابط عمومی سازمان تماس می‌گرفتند و از اینکه یک خانم با چادر و در عین حال با لباس خوش رنگ خبر اجرا می‌کند تشکر می‌کردند باعث دلگرمی من می‌شد. به نظرم باید ارزش چادر را بالا ببریم.